

**Journal of research in Persian
language and literature education**



**The Effect of Teaching Rewriting and Recreating Twenty
Stories from Sa'adi's *Gulistan* on Improving Students'
Learning Based on the PIRLS International Test**

Yosof Ali Abasabad*

*Associate Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University,
Tehran, Iran.*

Nayere Najafi

*Master of Arts in Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran,
Iran.*

ABSTRACT

Keywords:

Sa'adi's *Gulistan*,
Persian Language
Teaching,
PIRLS Test,
Recreating,
Rewriting.

The present study aimed at examining the effect of teaching rewriting and recreating twenty stories from *Gulistan* by Sa'adi on improving students' scores in the PIRLS. The main objective of this research was to enhance Iranian students' literary and ethical levels as well as improve their PIRLS test results, which have been on a declining trend in recent years. This study was conducted using a mixed-methods approach, combining theoretical and field research, and included both experimental and control groups. Data collection was carried out using questionnaires designed in accordance with the PIRLS test, based on four reading skills. The statistical population consisted of 327 ninth-grade female students from Vahdat, Hajar, and Khwaja Abdullah Ansari high schools in Tehran. Cluster sampling was used, with the experimental group comprising 90 students from Khwaja Abdullah Ansari and the control group consisting of 180 students from Vahdat and Hajar. Data analysis was performed using Excel software. The results indicated that teaching rewriting and recreating of *Gulistan* stories had a significant positive effect on students' ability to answer PIRLS test questions. Therefore, it can be concluded that this educational method can effectively enhance students' reading skills.

1 .Corresponding author
yosefaali@pnu.ac.ir

DOI: 10.48310/rpllp.2025.17523.1166

Received: 1403/08/10

Reviewed: 1403/12/14

Acceptet: 1404/01/18

PP: 35

Citation (APA): Ali Abasabad, Y., Najafi, N (2025). The Effect of Teaching Rewriting and Recreating Twenty Stories from Sa'adi's *Gulistan* on Improving Students' Learning Based on the PIRLS International Test. *The Journal of research in Persian language and literature education*, 6 (3), 1-35. 
<https://doi.10.48310/rpllp.2025.17523.1166>



تأثیر آموزش بازنویسی و بازآفرینی بیست حکایت گلستان سعدی بر بهبود یادگیری دانش‌آموزان بر اساس آزمون پرلز

یوسف عالی عباس آباد*

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نیره نجفی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر آموزش بازنویسی و بازآفرینی بیست حکایت گلستان سعدی بر بهبود نمرات دانش‌آموزان در آزمون جهانی پرلز انجام شده است. هدف اصلی این تحقیق ارتقای سطح ادبی و اخلاقی دانش‌آموزان و همچنین بهبود نتایج آزمون پرلز است. این مطالعه به روش ترکیبی نظری و میدانی انجام شده و شامل دو گروه آزمایش و گواه است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌هایی استفاده شده که سؤال‌های آنها مطابق با آزمون پرلز و بر اساس چهار مهارت خواندن طراحی شده‌اند. جامعه آماری شامل ۳۲۷ نفر دانش‌آموز دختر پایه نهم از سه دبیرستان در شهر تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اکسل انجام شد. نتایج نشان داد که آموزش بازنویسی و بازآفرینی حکایت‌های گلستان سعدی تأثیر مثبت و معناداری بر توانایی پاسخگویی دانش‌آموزان به سؤال‌های آزمون پرلز دارد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این روش آموزشی می‌تواند در ارتقای مهارت‌های خواندن دانش‌آموزان مؤثر باشد.

DOI:

10.48310/rpllp.2025.17523.1166

واژه‌های کلیدی:

آموزش زبان فارسی،
بازنویسی،
بازآفرینی،
گلستان سعدی،
آزمون پرلز

۱. نویسنده مسئول

yosefaali@pnu.ac.ir✉

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

شماره صفحات: ۳۵

مقدمه:

انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی^۱، برنامه‌ منظمی از مطالعه سواد خواندن دانش‌آموزان و عوامل مرتبط با یادگیری آن را در کشورهای سراسر دنیا در قالب یک آزمون جهانی تحت عنوان «پرلز» اجرا می‌کند. آزمون پرلز یک مطالعه ارزشیابی تطبیقی است که هر پنج سال یک‌بار اجرا می‌شود. «این مطالعه باهدف آزمودن روند پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان ابتدایی و به‌دست‌آوردن اطلاعاتی در مورد تجربه‌های یادگیری خواندن آنها در خانه و مدرسه طرح‌ریزی شده است. اولین ارزیابی پرلز در سال ۲۰۰۱ و با شرکت ۳۵ کشور آغاز شد و در سال‌های اخیر (۲۰۲۱) با شرکت ۵۷ کشور به کار خود ادامه داده است» (نیل و همکاران، ۲۰۰۹).

نتایج نشان داد که کشورهایی که دارای نظام‌های آموزشی قوی‌تر و برنامه‌های درسی استاندارد شده، هستند عملکرد بهتری در مهارت‌های خواندن و درک مطلب داشتند. همچنین، این نتایج تأکید کردند که نابرابری‌های آموزشی و تفاوت در میزان دسترسی به منابع آموزشی از جمله عوامل مهم تأثیرگذار بر عملکرد دانش‌آموزان هستند.

در سنجش‌های آزمون پرلز از داستان‌های محدودی به‌عنوان متون ادبی استفاده می‌شود تا در بافت‌های مختلف بین‌المللی بتواند به‌خوبی عمل سنجش را انجام بدهد. ادبیات نه‌تنها وسیله‌ای برای انتقال دانش و اطلاعات است، بلکه ابزاری قدرتمند برای پرورش خلاقیت، تفکر انتقادی و توسعه مهارت‌های زبانی و ارتباطی نیز به‌شمار می‌رود. «حکایت‌های کهن، اغلب همانند گنجینه‌هایی هستند که زیر قشر ضخیمی از غبار فراموشی پنهان مانده که برای به‌سرزبان انداختن و بردن مجدد آنها به عرصه فرهنگی اجتماع باید به بازنویسی و بازپردازی و بازآفرینی مجدد آنها اقدام کرد» (سرشار، ۱۳۸۸). در سال‌های اخیر، توجه بیشتری به استفاده از متون متنوع از فرهنگ‌های مختلف در آزمون پرلز شده است تا عدالت آموزشی و شمول فرهنگی بیشتری را تضمین کند. همچنین، برخی از اصلاحات در طراحی متون آزمون صورت گرفته تا درک مطلب و تحلیل انتقادی بیشتری را در میان دانش‌آموزان تقویت کند.

همچنین، تحقیقات نشان داده‌اند که عملکرد دانش‌آموزان در آزمون پرلز تحت تأثیر عوامل متعددی نظیر میزان مطالعه در خانه، دسترسی به منابع آموزشی، سطح تحصیلات والدین و حمایت‌های آموزشی در مدرسه قرار دارد. کشورهایی که به ترویج عادت مطالعه از سنین پایین و بهبود روش‌های آموزش خواندن توجه بیشتری دارند، معمولاً نتایج بهتری در این آزمون کسب می‌کنند در کنار این عوامل، نقش فناوری‌های نوین در ارتقای سواد خواندن دانش‌آموزان نیز اهمیت دارد. استفاده از ابزارهای دیجیتالی نظیر کتاب‌های الکترونیکی، نرم‌افزارهای آموزش

خواندن و برنامه‌های تعاملی می‌تواند انگیزه مطالعه را در کودکان افزایش داده و به بهبود درک مطلب آن‌ها کمک کند. بسیاری از کشورها با توسعه برنامه‌های آموزش دیجیتال و ایجاد دسترسی گسترده به منابع الکترونیکی، تلاش دارند تا شکاف‌های آموزشی را کاهش داده و کیفیت یادگیری را افزایش دهند؛ بنابراین، بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی به‌عنوان یک راهکار مکمل می‌تواند تأثیر مثبتی بر عملکرد دانش‌آموزان در آزمون پرلز داشته باشد.

آموزش بازنویسی و بازآفرینی متون ادبی یکی از روش‌های نوین و مؤثر در تقویت مهارت‌های زبانی و تحصیلی دانش‌آموزان است. این روش، دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند تا با دقت و عمق بیشتری به متون ادبی نگاه کنند، محتوای آن‌ها را درک نمایند و سپس با خلاقیت و نوآوری، آن را به زبان و سبک خود بازنویسی یا بازآفرینی کنند. این فرایند نه تنها به تقویت مهارت‌های خواندن و نوشتن کمک می‌کند، بلکه به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا تفکر انتقادی و تحلیلی خود را نیز پرورش دهند «بازنویسی یعنی این که نوشته را از کلمات و عبارات و اصطلاحات دشوار بزدااییم و آن را به صورت یک متن ساده در بیاوریم... بازنویسی را می‌توان یک فن یا مهارت ویژه دانست؛ فنی سهل و ممتنع که همه کس از عهده آن بر نمی‌آیند» (ربانی ۱۳۸۰: ۱۰۱) همچنین کار اصلی و عمده روش بازآفرینی، تغییر در بنیاد اثر قبلی است. یعنی نویسنده از اثری کهن یا معاصر، شفاهی یا مکتوب الهام می‌گیرد و با برهم زدن چارچوب هویتی آن اثر، اثری جدید می‌سازد. بازآفرینی محتوا و اندیشه اثر موردنظر را می‌زداید و اندیشه‌ای نو به جای آن می‌نشانده البته در اثر جدید رگه‌ها و نشانه‌هایی از اثر قبلی وجود دارد به گونه‌ای که خواننده به هنگام مطالعه اثر، خاطره اثر قبلی را در ذهن خود بیاورد؛ اما این اثر جدید دیگر آن محتوای قبلی را ندارد (هاشمی نسب ۱۳۷۱: ۴۶-۴۹).

مطالعات نشان می‌دهند که ترکیب روش‌های بازنویسی و بازآفرینی متون کلاسیک با آموزش‌های مدرن، می‌تواند به درک بهتر دانش‌آموزان از مفاهیم پیچیده ادبی و اخلاقی کمک کند. علاوه بر این، این روش فرصتی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد تا توانایی استنباط و تفسیر خود را بهبود ببخشند.

«در میان آثار فاخر ادبیات فارسی، «گلستان» جایگاه ویژه‌ای دارد. این اثر بی‌نظیر، با حکایت‌های کوتاه و آموزنده‌اش، نه تنها از نظر ادبی بلکه از جنبه‌های تربیتی و اخلاقی نیز ارزشمند است. نکات گران قدر و آموزنده این کتاب می‌تواند فرا راه تمامی اقشار جامعه قرار بگیرد، اما نشر فنی و مصنوع آن، مانع بزرگی در رسیدن به آن مفاهیم است که همین امر باعث توجه باز نویسان به این کتاب شده است» (شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

روش بازآفرینی، در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان ایران کمتر خود را نشان داده است و آثار کمی به روش بازآفرینی برای این گروه سنی وجود دارد. بی شک در آینده این روش، در این

حوزه نقش مؤثرتری ایفا خواهد کرد و جایگاه ویژه‌ای خواهد یافت (کبیری و همکاران ۱۳۹۶: ۴۳). از سوی دیگر هنگامی که به نتایج آزمون پرلز در سال ۲۰۲۱ نگاه می‌کنیم متوجه خواهیم شد که کیفیت آموزشی ایران جزو ضعیف‌ترین‌ها در جهان قرار گرفته است و دانش‌آموزان ایرانی در توانایی خواندن نمره ۴۱۳ را به دست آورده‌اند که در سطح معیار بین‌المللی پایین است و ایران جزو کشورهای پایانی جدول پرلز قرار دارد و کشورهای اردن و مصر و مراکش و آفریقای جنوبی بعد از ایران قرار دارند.

از آن جایی که ادبیات کهن ایران منبع جاودانی برای تولید محصولات متنوع برای همه گروه‌های سنی است و چگونگی درک و بیان نویسندگان از این منبع ماندگار بسیار دارای اهمیت است و همچنین تعلیم و تربیت به ادبیات وابسته است؛ لذا خود را موظف به آمیختن ادبیات و آموزه‌های پرورشی نموده و متون کهن را مبنا و معیار کار خود قرار داده و بر اساس ذوق و ذهنیات و تخیلات دانش‌آموزان آنها را وادار کرده تا دوباره آن حکایت‌ها را بیافرینند یا با بازنویشته آن‌ها به زبان امروزی بتوانند آموزه‌های بیشتری را برای نسل جدید به ارمغان بیاورند. هدف اصلی این پژوهش آشنایی با بیست حکایت تربیتی و اخلاقی گلستان سعدی است که علاوه بر آشنایی با طریقه نوشتن به سبک بازنویسی و بازآفرینی آن، به دنبال ارائه راهکارهای عملی برای ارتقای سواد خواندن و توانایی درک مطلب دانش‌آموزان است به گونه‌ای بتوانند با متون ادبی پیچیده‌تر و چالش‌برانگیزتر نیز ارتباط برقرار کرده و آنها را به درستی تحلیل و تفسیر کنند.

برای رسیدن به این اهداف دانش‌آموزان باید با متون کلاسیک همچون «گلستان سعدی» آشنا شوند و پیچیدگی‌های زبانی و ساختار نحوی متفاوت و واژگان کهن و غیرمعمول و فرهنگ معانی ضمنی موجود در آن را بشناسند.

آنها نیز باید بتوانند این حکایت‌ها را به زبان ساده و قابل فهم برای دانش‌آموزان امروزی تبدیل کنند به گونه‌ای که اصل معنا و پیام حکایت نیز حفظ شود و در قالبی ساده‌تر و قابل فهم‌تر برای دانش‌آموزان ابتدایی و راهنمایی ارائه گردد.

برای رسیدن به این توانایی باید فعالیت‌های آموزشی، تمرین‌ها و سؤالات درک مطلب بر اساس حکایت‌ها بازنویسی شود و فعالیت‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که مهارت‌های مختلف زبانی و تحلیلی دانش‌آموزان از جمله توانایی استنباط، تفسیر و نقد متن تقویت شود.

پس از پیاده‌سازی روش‌های آموزشی جدید با استفاده از حکایت‌های بازنویسی شده باید تأثیر این روش‌ها بر توانایی درک مطلب دانش‌آموزان ارزیابی شود. این ارزیابی می‌تواند از طریق آزمون‌های قبل و بعد از اجرای برنامه‌های آموزشی، یا مقایسه نتایج آزمون‌های استاندارد مانند پرلز و بعد از استفاده از این روش‌ها انجام شود.

یکی از اهداف فرعی این آزمون‌ها شناسایی و تحلیل تفاوت‌های فردی در تأثیرپذیری از متون بازنویسی شده است که آیا تفاوت‌های فردی (مانند: سن، جنسیت، سطح تحصیلی و پیشینه فرهنگی) تأثیری بر نحوه یادگیری و درک متون بازنویسی شده دارد یا خیر. این تفاوت‌ها می‌تواند به بهبود بیشتر روش‌های آموزشی کمک کند و آنها را متناسب با نیازهای گوناگون دانش‌آموزان تنظیم کند.

این پژوهش همچنین می‌تواند راهکارهای عملی برای بهبود برنامه‌های درسی در حوزه مهارت‌های خواندن و درک مطلب ارائه بدهد و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از اهداف فرعی پیشین، این هدف شامل ارائه پیشنهادها و راهکارهای عملی به مسئولین و طراحان برنامه‌های درسی برای بهبود وضعیت دانش‌آموزان است.

تحقق هر یک از این اهداف به پژوهشگران کمک می‌کند تا به هدف اصلی پژوهش که بهبود توانایی‌هایی خواندن و درک مطلب دانش‌آموزان است، دست بیابند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

آزمون پرلز^۱ مطالعات ارزشیابی بین‌المللی

«مطالعه بین‌المللی توسعه سواد خواندن انجمن بین‌المللی پیشرفت تحصیلی، یعنی پرلز، بر روی توسعه مهارت خواندن دانش‌آموزان و تجارب آنها برای یادگیری خواندن در خانه و مدرسه متمرکز است» (کریمی ۱۳۹۱: ۱۳۴ به نقل از مارتین، مولیس، گونزالز، ۲۰۰۴).

این آزمون بر روی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی اجرا می‌شود و تقریباً پنجاه کشور در این آزمون شرکت می‌کنند. کشورهای شرکت‌کننده در این آزمون این امکان را دارند تا با بررسی روند عملکرد دانش‌آموزان در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱، ۲۰۱۶ و ۲۰۲۱ پیشرفت سواد خواندن را ارزیابی کنند. «یافته‌های ملی و بین‌المللی پرلز مجموعه‌ای معتبر از اطلاعات داده‌هایی را در اختیار نظام‌های آموزشی کشورهای عضو می‌دهند تا آنها بتوانند عملکرد سواد خواندن دانش‌آموزان خود را در مقایسه با سایر کشورهای شرکت‌کننده بررسی کنند.»^۲ به‌منظور ارزیابی اهداف و فرایندهای خواندن، آزمون پرلز مجموعه‌ای از متون ادبی و اطلاعاتی و پرسش‌هایی است که دانش‌آموزان را ملزم به استفاده از فرایندهای متفاوت درک مطلب می‌کند. سواد خواندن و آزمون پرلز:

1. PIRLS

2. <http://timss and pirls . bc.edu/pirls2011/framework.html>

محیط خانه و خانواده نقش کلیدی در توسعه مهارت‌های خواندن دارد. تجربیات اولیه کودکان در زمینه زبان گفتاری و نوشتاری در خانه پایه‌های یادگیری آن‌ها را شکل می‌دهد. باورها و ارزش‌های خانواده درباره اهمیت خواندن، انگیزه و علاقه دانش‌آموزان را به مطالعه تقویت می‌کند؛ به‌طوری که در خانواده‌هایی که خواندن به‌عنوان فعالیتی ارزشمند تلقی می‌شود، کودکان با اشتیاق بیشتری به یادگیری می‌پردازند. همچنین، زبان یا زبان‌هایی که در خانه صحبت می‌شوند و میزان آشنایی دانش‌آموز با زبان مورد استفاده در آموزش رسمی، تأثیر بسزایی بر توانایی‌های خواندن او دارد.

در مدارس نیز نقش معلمان و روش‌های تدریس فعال و مشارکتی بسیار مهم است. ارائه مطالب آموزشی به‌صورت جذاب، استفاده از کتاب‌ها و متون متنوع و ایجاد فرصت‌های مطالعه گروهی و فردی، همگی از عوامل کلیدی در بهبود سواد خواندن دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. از این‌رو، تعامل سازنده بین خانه و مدرسه می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت قابل توجه در مهارت‌های خواندن گردد.

مطالعه بین‌المللی توسعه سواد خواندن انجمن بین‌المللی پیشرفت تحصیلی، یعنی پرلز، بر روی توسعه مهارت خواندن دانش‌آموزان و تجارب آن‌ها برای یادگیری خواندن در خانه و مدرسه متمرکز است (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۳۴ به نقل از مارتین، مولیس، گونزالز، ۲۰۰۴). این آزمون که عمدتاً بر روی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی اجرا می‌شود و روند پیشرفت سواد خواندن را به طور سیستماتیک مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های ملی و بین‌المللی پرلز مجموعه‌ای معتبر از اطلاعات و داده‌ها را در اختیار نظام‌های آموزشی کشورهای عضو قرار می‌دهد تا بتوانند عملکرد سواد خواندن دانش‌آموزان خود را در مقایسه با سایر کشورها ارزیابی و نقاط قوت و ضعف را شناسایی کنند.

در مطالعات بین‌المللی پرلز، سواد خواندن به‌عنوان توانایی استفاده از خواندن برای دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی تعریف شده است. این آزمون‌ها به ارزیابی توانایی دانش‌آموزان در درک مطلب از دو هدف عمده «خواندن برای کسب اطلاعات» و «خواندن برای تجربه ادبی» می‌پردازند. چهار مؤلفه اصلی سواد خواندن شامل بازیابی اطلاعات صریح، استنباط‌های مستقیم، تفسیر و تلفیق ایده‌ها و ارزیابی ویژگی‌های محتوا و متن است.

حیطه‌های آزمون پرلز

۱- تمرکز و بازیابی اطلاعات صریح متن:

«در این فرایند دانش‌آموز باید تناسب اطلاعات یا نظری که در متن ارائه شده است را با اطلاعات مورد نیاز خود تشخیص دهد و آنها را درک کرده و به‌صراحت بیان کند. این در حالی است که

یافتن نوع اطلاعات یا نظر خاص، مستلزم پیدا کردن جمله یا عبارت خاص است، در این مرحله دانش‌آموز به استنتاج کم‌نیاز دارد و هیچ‌گونه تفسیر و تعبیری صورت نمی‌گیرد.» (دیبای صابر و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۸) این مؤلفه به توانایی یافتن و استخراج داده‌ها و نکات اصلی که به‌صورت مستقیم در متن آمده‌اند اشاره دارد. در این بخش، خواننده باید قادر باشد به‌سرعت اطلاعات مهم مانند اعداد، تاریخ‌ها، عبارات کلیدی و جملات اصلی را شناسایی کند. این مهارت به درک اولیه از متن کمک می‌کند و پایه‌ای برای تحلیل‌های عمیق‌تر به شمار می‌آید.

۲- رسیدن به استنباط‌های مستقیم:

«نتیجه‌گیری به خواننده اجازه می‌دهد فراتر از سطح متن ورود و شکاف‌هایی را که بیشتر در معانی وجود دارند پر کند. پرسش‌های این فرایند غالباً بر اطلاعات موجود در متن استوار هستند؛ و از دانش‌آموزان می‌خواهند دو نظری که در جملات مجاور ارائه شده‌اند را به یکدیگر متصل کرده، فاصله خالی میان آنها را از نظر معنایی پر کنند.» (جعفری و برزه ۱۳۹۹: ۵ به نقل از گونزالس و همکاران، ۲۰۰۲) در این مؤلفه، خواننده باید بتواند بر اساس آنچه در متن آمده است، مفاهیم و اطلاعات ضمنی را استنباط کند. به عبارت دیگر، حتی اگر برخی نکات به‌صورت صریح ذکر نشده باشند، باتوجه به داده‌های موجود در متن و با استدلال منطقی، می‌توان به نتایج و برداشت‌های مورد نظر رسید. این مهارت نقش مهمی در پرورش تفکر انتقادی و تحلیل دقیق متن دارد.

۳- تفسیر و تلفیق ایده‌ها و اطلاعات:

این مؤلفه شامل توانایی خواننده در ترکیب و ارتباط دهی به ایده‌های مختلف موجود در متن می‌شود. در این مرحله، خواننده باید بتواند از بخش‌های مختلف متن، معانی عمیق‌تر استخراج کند و ایده‌ها و مفاهیم پراکنده را به یکدیگر پیوند دهد تا درک جامع‌تری از مطلب به دست آورد. این مهارت به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مفاهیم پیچیده را به‌صورت یکپارچه بررسی کنند و ارتباط بین ایده‌های مختلف را به‌خوبی درک نمایند.

۴- بررسی و ارزیابی ویژگی‌های عناصر محتوا، زبان و متن

«در این فرایند دانش‌آموز محتوای متن را به جهت ارزش کلی آن، ویژگی ساختاری و زبان‌شناختی متن، باورپذیری یا ارتباط با خواننده ارزیابی می‌کند. فرایند اساسی درک مطلب که خوانندگان برای معناسازی به کاربردند، همان فرایندهایی هستند که جهت هر دو هدف خواندن مورد استفاده قرار گرفته‌اند.» (همان، ۱۳۹۹: ۶، به نقل از نجفی پازوکی، ۱۳۹۲) در این مؤلفه، خواننده نه‌تنها به درک محتوا می‌پردازد، بلکه باید بتواند نقد و بررسی دقیقی از متن ارائه دهد. این شامل ارزیابی اعتبار اطلاعات، سبک نگارش، ساختار منطقی و هماهنگی بین بخش‌های مختلف متن است. با این مهارت، دانش‌آموزان می‌آموزند که به طور انتقادی به متون نگاه کنند،

نقاط قوت و ضعف آن‌ها را شناسایی کرده و بتوانند بر اساس استانداردهای منطقی و علمی قضاوت نمایند.

جایگاه روند عملکرد دانش‌آموزان ایرانی در مطالعات پرلز:

«گزارش‌های مرکز مطالعات پرلز حاکی از آن است که جایگاه ایران در پرلز ۲۰۰۱ میان ۳۵ کشور شرکت‌کننده رتبه ۳۲ و در پرلز ۲۰۰۶ میان ۴۵ کشور شرکت‌کننده رتبه ۴۰ و در پرلز ۲۰۱۱ میان ۴۶ نظام آموزشی جهان رتبه ۳۹ را کسب کرده است» (کریمی، ۱۳۹۰).

بررسی‌های انجام شده در نتایج آزمون‌های پرلز نشان می‌دهد که عملکرد دانش‌آموزان ایرانی نسبت به میانگین جهانی پایین‌تر است و عواملی چون فعالیت‌های آموزشی والدین و تغییرات در محتوای کتاب‌های درسی و روش تدریس معلمان می‌تواند بهبود یابد. کشور ایران در سال ۲۰۱۶ میانگین نمرهٔ مقیاسی ۴۲۸ را به دست آورده است. نتایج آزمون ۲۰۲۱ نیز نشان می‌دهد که وضعیت قبلی ادامه داشته‌اند که از حد معیار بین‌المللی پایین است و از میان ۵۷ کشور شرکت‌کننده در این آزمون در انتهای جدول واقع شده است. همچنین، در پرلز ۲۰۲۱، تأکید بیشتری بر خواندن در محیط دیجیتال^۱ صورت گرفته است که نیازمند تطبیق دانش‌آموزان با مهارت‌های جدید درک مطلب در محیط آنلاین است. از لحاظ مقایسهٔ عملکرد دختران و پسران نیز مشخص شد که دختران ایرانی فاصلهٔ زیادی نسبت به عملکرد پسران دارند که این برتری در سایر کشورهای دیگر نیز دیده می‌شود. در سنجش‌های پرلز از داستان‌های محدودی به‌عنوان متون ادبی استفاده می‌شود تا در بافت‌های مختلف بین‌المللی بتوانند به‌خوبی عمل سنجش را انجام دهند و از آنجاکه در ایران میزان عملکرد در هدف ادبی ۴۳۰ و در اهداف اطلاعاتی ۴۲۵ است و بیانگر این امر است که دانش‌آموزان ما در هدف اطلاعاتی نسبت به اهداف ادبی پایین‌تر هستند. به‌طور کلی نتایج نشان می‌دهد که دانش‌آموزان ایرانی در هدف «اطلاعاتی» ضعیف‌تر از «ادبی» عمل می‌کنند و برای بهبود نیاز به تقویت مهارت‌های درک مطلب در چهار فرایند اصلی دارند.

گلستان و ویژگی‌های آن:

۱. «داستان‌گویی و هنر سعدی: امروزه ابزار اصلی آموزش تفکر در برنامهٔ فلسفه برای کودکان، داستان است، زیرا استفاده از داستان این فرصت را برای کودکان فراهم می‌کند تا دربارهٔ ایده‌های مهم با یکدیگر بحث کنند. به علاوه داستانی که شخصیت اصلی آن، برای مخاطب کودک جذبهٔ خاصی داشته باشد و کنش او مطابق با نیاز و انتظار مخاطب باشد، قدرت آموزندگی بیشتری خواهد داشت» (حسن‌زاده، فرهاد، ۱۴۰۳)، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های هنر سعدی، قصه‌های کوتاهی است که در آثارش آورده است. این قصه‌ها نه تنها از نظر زبان و ساختار حائز

اهمیت‌اند، بلکه ذوق و اندیشه سعدی را به صورت عینی نشان می‌دهند. زبان و ساختار این قصه‌ها می‌تواند درک گسترده‌ای از دیدگاه‌های سعدی به ما بدهد. به عنوان مثال، ساختار غزل‌های حافظ نیز بدون توجه به معنای آن‌ها، توانایی‌های حافظ در زمینه زبان و هنر را نمایان می‌کند. قصه‌های سعدی نمونه‌های عالی از این ذوق و اندیشه هستند که می‌توان از دل آن‌ها درس‌های عمیقی استخراج کرد. حتی با وجود پیشرفت‌های مدرنیته، داستان‌های مدرن نتوانسته‌اند به سطح بیان و پرداختی که سعدی و دیگر بزرگان مانند مولوی و عطار داشتند، دست یابند (محبتی، ۱۳۹۵: ۹۵).

۲. منابع الهام سعدی در قصه‌گویی: قصه‌های سعدی نه تنها حاصل نبوغ ادبی او، بلکه نتیجه تأثیرپذیری از زمینه‌های اجتماعی و روانی دوران زندگی‌اش هستند. دو منبع اصلی الهام او عبارت‌اند از:

سعدی در طول زندگی خود به سرزمین‌های مختلفی مانند عراق، شام، حجاز، هندوستان، و شمال آفریقا سفر کرد. این سفرها او را با فرهنگ‌های گوناگون، آداب و رسوم مختلف، و تجربه‌های اجتماعی متنوع آشنا ساخت. او در آثارش، این مشاهدات را در قالب حکایات و قصه‌های کوتاه روایت می‌کند و به تحلیل رفتارها و باورهای جوامع مختلف می‌پردازد. این ویژگی، قصه‌های او را فراتر از یک روایت ساده کرده و به آن‌ها عمق فلسفی و اجتماعی بخشیده است.

یکی دیگر از عناصر مهم در شکل‌گیری قصه‌های سعدی، خاطرات دوران کودکی اوست. او در محیطی مذهبی و فرهنگی رشد کرد و از همان دوران، ذهن خود را با شنیدن داستان‌های مذهبی و ادبی غنی ساخت. توانایی بی‌نظیر سعدی در حفظ و بازسازی این خاطرات در قصه‌هایش، نشان‌دهنده تأثیر عمیق تجربیات کودکی بر شکل‌گیری اندیشه‌های اوست. این خاطرات در بسیاری از حکایت‌های سعدی انعکاس یافته و بیانگر روحیه حساس و تأمل‌گرای او هستند.

۳. تأثیرات فرهنگی و تحصیلات سعدی: زمینه فرهنگی مهمی که به قصه‌گویی سعدی کمک کرده، تحصیلات او در مدرسه نظامیه بغداد بوده است. سعدی حدود بیست تا سی و هشت سالگی را در این مدرسه گذرانده و دانش فراوانی کسب کرده است. حضور در نظامیه، فرصت‌هایی برای ملاقات با بزرگانی چون واعظان و ادیبان به او داد که تأثیر بسیاری بر قصه‌های او گذاشته‌اند. همچنین، سعدی از قرآن و حدیث و نیز ادبیات عرب و فارسی بهره‌های بسیاری برده است. آشنایی عمیق او با ادبیات عرب، به‌ویژه اشعار شاعران عرب، به او امکان داده تا قصه‌های کوتاه خود را با ظرافت و زیبایی بیشتری بیان کند (محبتی، ۱۳۹۵: ۱۰۰-۱۰۲).

۴. شاخصه‌های قصه‌های سعدی: یکی از ویژگی‌های بارز قصه‌های سعدی، استفاده از زبانی است که در نگاه اول ساده به نظر می‌رسد، اما در حقیقت دارای لایه‌های معنایی عمیق است. این

سبک را «سهل ممتنع» می‌نامند، یعنی زبانی که در عین سادگی، دستیابی به عمق آن دشوار است. او با استفاده از جملات کوتاه، تمثیل‌های جذاب و کلمات دقیق، داستان‌هایی خلق کرده که همگان می‌توانند از آن‌ها بهره ببرند، اما فهم دقیق پیام‌های آن نیاز به تأمل دارد.

سعدی در بسیاری از قصه‌هایش ترکیبی از نثر و شعر را به کار برده است. او با این روش، نوعی «شعر روایتی نثر گونه» خلق کرده که تأثیرگذاری داستان را بیشتر می‌کند. این سبک، خواننده را به دنیای قصه می‌کشاند و باعث ایجاد ریتم و آهنگ در روایت می‌شود.

قصه‌های سعدی را می‌توان ادامه سنت مقامه‌نویسی و حکایت‌های عرفانی دانست. مقامه‌نویسی که سبکی از نثر مصنوع در ادبیات عرب و فارسی است، شامل حکایات کوتاهی با پیام‌های اخلاقی است. سعدی، با تلفیق این سنت با زبان روان خود، قصه‌هایی آفریده که علاوه بر ارزش ادبی، حامل پیام‌های تربیتی و اخلاقی نیز هستند.

قصه‌های سعدی نه تنها در زمان خود، بلکه در دوره‌های بعدی نیز مورد توجه بسیاری از نویسندگان و شاعران قرار گرفته‌اند. آثار او الهام‌بخش ادیبان بزرگی چون جامی، مولوی، و عطار بوده است. همچنین، در دوره‌های معاصر، نویسندگانی مانند صادق هدایت و جلال آل‌احمد نیز از سبک بیان و نگاه انتقادی سعدی تأثیر پذیرفته‌اند.

علاوه بر این، قصه‌های سعدی همچنان در حوزه آموزش و پرورش به‌عنوان نمونه‌هایی از داستان‌نویسی آموزشی و اخلاقی به کار می‌روند. بسیاری از حکایت‌های او در کتاب‌های درسی گنجانده شده و برای آموزش مفاهیم اخلاقی و انسانی به کودکان و نوجوانان استفاده می‌شوند.

بازنویسی و بازآفرینی:

بازنویسی ساده و امروزی کردن متن کهن با حفظ موضوع و محتوا و درون‌مایه و پیام اثر است. ژنت بازنویسی را نوعی نوسازی می‌داند که باعث خلق داستانی دیگر می‌شود. ژرار ژنت می‌گوید: «تمام ادبیات از بازنویسی نشئت می‌گیرد. بر روی یک پوست چرمی یا صفحه کاغذ، متنی بر روی چند متن دیگر می‌نشیند و موجب یک بازنویسی دیگر می‌شود» دسترنج، معصومه، ریاحی زمین، زهرا (۱۴۰۲) به نقل از: آلن (۱۳۸۵).

«بازنویسی، بازگویی و بازنوشتن، شیوه‌ای از نگارش است که با حفظ ویژگی‌های اثر نخست، بدون اندک دخل و تصرف در آن، با ساده‌تر کردن زبان، آن را با توان خواننده متناسب می‌کند.» «به عبارت دیگر می‌توان گفت بازنویسی، روشی است که از دوران کهن تا کنون از سوی نویسندگان و شاعران به کاررفته است و بزرگان ادب فارسی با این روش آشنا بوده‌اند. قدیمی‌ترین سندهای متقن در این باره، شاهنامه فردوسی، مثنوی معنوی، دیوان حافظ و آثار گوناگون ادب فارسی‌اند» (پایور، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۷).

اما «بازآفرینی به معنی آفرینشی دیگر است» (همان، ۱۳۸۰: ۱۸ به نقل از م. آزاد، ۱۳۵۴: ۶۳) «در بازآفرینی تغییر و تحول در سبک، ساختار و متن صورت می‌گیرد» (همان، ۱۳۸۰: ۱۸ طائب، ۱۳۸۵: ۱۲) «هنرمند بازآفرین که می‌تواند نویسنده، شاعر، تصویرگر و... باشد، از اثری الهام می‌گیرد و به خلق اثر جدید می‌پردازد. با دیدن، شنیدن و یا خواندن آن به یاد اثر نخست می‌افتیم؛ اما می‌دانیم که اثر جدید، همان اثر پیشین نیست» (همان، ۱۳۸۰: ۲۲ به نقل از سنجر، ۱۳۸۷: ۵۶) «یکی از روش‌های آفرینش و خلق آثار ادبی و هنری، روش بازآفرینی است، به این معنا که نویسنده و هنرمند از آثار دیگران، چه کهن و چه معاصر، الهام می‌گیرد و به خلق اثر جدید می‌پردازد. عمده‌ترین کار در روش بازآفرینی تغییر موضوع و برهم‌زدن چارچوب موضوع اثر قبلی است» (پایور، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

موضوع و محتوا یکی از ارکان اصلی هر اثر هنری است. در بازنویسی آثار کهن، این دو عنصر معمولاً ثابت باقی می‌مانند، زیرا هدف از بازنویسی، انتقال پیام اصلی اثر به مخاطب جدید است. محتوا شامل ایده‌ها، پیام‌ها و مفاهیمی است که نویسنده اصلی در اثر خود مطرح کرده است. این مفاهیم ممکن است شامل ارزش‌های اخلاقی، فلسفی، تاریخی یا اجتماعی باشند که همچنان برای مخاطبان معاصر جذابیت دارند؛ بنابراین، بازنویسی موفق باید بتواند این مفاهیم را حفظ کند و در عین حال، آن‌ها را به شیوه‌ای بیان کند که برای خواننده امروزی جذاب و قابل فهم باشد. برخلاف محتوا، بعد ساختاری اثر در بازنویسی دستخوش تغییرات عمده‌ای می‌شود. ساختار اثر شامل سبک نگارش، شیوه روایت، زبان، لحن، شخصیت‌پردازی و حتی برخی جزئیات پیرامونی داستان است. از آنجا که زبان و سبک نگارش در طول زمان دچار تحول می‌شوند، بازنویسی باید این عناصر را به گونه‌ای تغییر دهد که خواننده امروزی بتواند به راحتی با اثر ارتباط برقرار کند. در این فرایند، ممکن است برخی پیچیدگی‌های زبانی کاهش یابند، توصیف‌ها ساده‌تر شوند و حتی در برخی موارد، زاویه دید یا روایت تغییر کند تا اثر برای خوانندگان جذاب‌تر شود.

یکی از جنبه‌های مهم در بازنویسی آثار کهن، خلاقیت در بازسازی ساختار اثر است. یک بازنویسی خلاق می‌تواند به اندازه یک بازآفرینی هنری ارزشمند باشد، زیرا نویسنده‌ای که بازنویسی را انجام می‌دهد، نه تنها بر روی فرم و زبان کار می‌کند، بلکه می‌تواند با نوآوری‌های ساختاری، جلوه‌ای نو به اثر ببخشد. این امر به ویژه در زمانی اهمیت می‌یابد که هدف، معرفی اثر کهن به نسل جدیدی از مخاطبان باشد که با سبک‌های جدیدتر ادبی آشنایی بیشتری دارند. نویسندگان و شاعران کهن، طی قرن‌ها برای تداوم فرهنگ و سنت‌های ادبی، از روش‌های بازنویسی و بازآفرینی استفاده کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که این دو روش نه تنها شیوه‌ای مدرن نیستند، بلکه از گذشته‌های دور در ادبیات ایران و جهان به کار گرفته شده‌اند.

یکی از نمونه‌های برجسته بازآفرینی در ادبیات فارسی، سیمرغ است؛ پرنده‌ای افسانه‌ای که در قصه‌ها و سرگذشت‌های ایرانی همواره حضوری پررنگ داشته است. در شاهنامه فردوسی، سیمرغ موجودی اساطیری و ماورایی است که در داستان زال و رستم نقش هدایتگر و نجات‌بخش را ایفا می‌کند. این مفهوم بعدها در آثار فیلسوفانی مانند ابن سینا، غزالی و سهروردی تغییر شکل می‌دهد و جنبه‌های عرفانی و نمادین به خود می‌گیرد.

اما نقطه عطف بازآفرینی این نماد در قرن ششم هجری توسط عطار نیشابوری اتفاق می‌افتد. او در اثر خود، «منطق‌الطیر»، سیمرغ را به «سی مرغ» تبدیل می‌کند و آن را به عنوان نمادی از جست‌وجوی حقیقت و سفر عرفانی به کار می‌برد. این تغییر نه تنها نشان‌دهنده خلاقیت و نوآوری عطار است، بلکه گواهی بر قابلیت ادبیات در تطبیق مفاهیم کهن با دیدگاه‌های تازه و معانی ژرف‌تر است.

بازنویسی تنها محدود به متون روایی و داستانی نیست، بلکه در شعر فارسی نیز نمونه‌های متعددی از این شیوه به چشم می‌خورد. شاعران بزرگی همچون حافظ، سعدی و مولانا، از اشعار و مضامین شاعران پیشین خود بهره گرفته و آن‌ها را با تغییراتی در وزن، ریتم و واژگان، به شکلی نو ارائه کرده‌اند.

به عنوان مثال، حافظ در بسیاری از غزل‌های خود از سبک و مضامین شاعران پیش از خود، به ویژه خیام، سعدی و عطار الهام گرفته است. اما او با تغییرات هنرمندانه در زبان، موسیقی شعر و تصاویر ادبی، آن‌ها را به سطحی بالاتر از نظر زیبایی‌شناسی و مفهومی رسانده است. این نوع بازنویسی هنرمندانه، نه تنها ارزش اثر اصلی را کاهش نمی‌دهد، بلکه به آن حیاتی تازه می‌بخشد و آن را برای مخاطبان عصر جدید قابل درک و لذت‌بخش می‌سازد.

بازنویسی و بازآفرینی تنها در ادبیات محدود نمی‌شود، بلکه در هنرهای نمایشی و سینما نیز تأثیرگذار بوده است. بسیاری از نمایشنامه‌نویسان و فیلم‌سازان با استفاده از داستان‌های کهن، آثار جدیدی خلق کرده‌اند که با تحولات اجتماعی و فرهنگی همخوانی داشته باشد.

برای نمونه، بسیاری از نمایشنامه‌های شکسپیر همچون «مکبث» و «رومئو و ژولیت» در دوران‌های مختلف مورد بازآفرینی قرار گرفته‌اند و در قالب فیلم‌های سینمایی یا اقتباس‌های تئاتری، به زبان و سبک مدرن بازنویسی شده‌اند. در ایران نیز آثاری مانند «لیلی و مجنون» یا «خسرو و شیرین» بارها در قالب نمایشنامه و فیلم‌های سینمایی بازآفرینی شده‌اند تا پیام‌های این داستان‌های کهن را برای مخاطبان امروزی قابل درک‌تر کنند.

پیشینه پژوهش:

«انجمن بین‌المللی پیشرفت تحصیلی باهدف به‌دست‌آوردن درک عمیق‌تری از تأثیر سیاست‌گذاری نظام‌های آموزشی مختلف از دهه ۱۹۶۰، بیش از ۵۰ سال است که به ارزیابی

سواد خواندن و عوامل مرتبط با آن پرداخته است. مطالعه تیمز و پرلز به وسیله این انجمن اداره می شود» (مولیس و همکاران: ۲۰۱۷)

«مراحل توسعه و تدوین ارزیابی خواندن پرلز در یک دوره دوساله از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ تحقق یافت. مسئولیت این کار بر عهده تیمی متشکل از بنیاد ملی پژوهش تحصیلی در انگلستان و ولز بود که در تمام مراحل از سوی هماهنگ کنندگان خواندن پرلز، تیم مدیریت دوره پرلز در کالج بوستون مورد حمایت و مشاوره قرار گرفتند. آزمون توسعه به طور جدی بر اساس چارچوب و جزئیات ارزیابی پرلز ۲۰۰۱ بود.» کریمی (۱۳۹۱) به نقل از (campbell et al, 2014) «نخستین مطالعه بین المللی پیشرفت سواد خواندن (پرلز) در سال ۲۰۰۱ انجام گرفت. بر اساس هدف های این مطالعه، پایه چهارم، زمانی مهم در رشد دانش آموزان است. زیرا در این پایه دانش آموزان چگونه خواندن و مطالعه کردن را یاد گرفته اند و از خواندن برای یادگیری استفاده می کنند» (پیرمردیان، مینائی، ۱۴۰۲)

یکی از مطالعات مشابه پرلز، مطالعه پیزا است که در سال ۲۰۰۰ میلادی توسط (IEA) انجام گرفت. این مطالعه سواد خواندن دانش آموزان ۱۵ ساله را در مقیاس بین المللی ارزیابی کرد و سپس؛ بلافاصله بعد از آن - یعنی در سال ۲۰۰۱ - مطالعه پرلز را به اجرا در آورد. ویژگی های پیزا در این بود که در این پروژه «سواد خواندن» بر اساس نیاز دانش آموزان به عنوان کسانی که از دنیای مدرسه وارد دنیای کار می شوند محدود شد. اما در مطالعه پرلز «سواد خواندن» دانش آموزان به عنوان کسانی که از مرحله یادگیری برای خواندن به مرحله خواندن برای یادگیری گذر می کنند مورد ارزیابی قرار گرفت. به همین سبب است که پرلز، مهارت های بنیادی سواد خواندن دانش آموزان در دوره ابتدایی را برای سایر یادگیری ها تعیین کننده می داند. به طوری که دامنه و کیفیت پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با کیفیت یادگیری خواندن و کسب مهارت های لازم در درک مطالب درسی آنها ارتباط مستقیمی دارد (نقل از کاندون و همکاران، ۲۰۱۲).

پیشینه داخلی پرلز در ایران نیز، از دهه ۱۳۴۰ به این سو، مطالعات مختلفی برای ارزیابی پیشرفت تحصیلی و سواد خواندن دانش آموزان انجام شده است. از جمله این مطالعات می توان به پژوهش های دکتر جمال عابدی و زهرا دانش پژوه در دانشگاه تربیت معلم و آزمون سنجش صلاحیت های پایه (ABC) توسط دکتر علیرضا کیامنش اشاره کرد. این مطالعات به تحلیل تفاوت های فردی و عوامل مؤثر بر پیشرفت سواد خواندن پرداخته و نشان داده اند که سطح سواد خواندن در دختران معمولاً بالاتر از پسران است. همچنین، پیشرفت تحصیلی به میزان زیادی به کیفیت یادگیری سواد خواندن در دوره ابتدایی وابسته است. بر اساس نتایج این تحقیق در کل آزمون و سه حیطه مورد سنجش، متوسط عملکرد دانش آموزان مورد مطالعه از حداقل مورد انتظار (۶۰ درصد) کمتر است. تنها متوسط عملکرد ۲۱/۴ درصد دانش آموزان (۲۰/۹ درصد) در صد پسر

و ۲۱/۸ درصد دختر) در حیطه ریاضیات، ۲۸/۵ درصد دانش‌آموزان (۲۵/۷ درصد پسر و ۳۱/۳ درصد دختر) در حیطه مهارت‌های زندگی، ۱۹/۹ درصد دانش‌آموزان (۱۹/۱ درصد پسر و ۲۰/۸ درصد دختر) در کل آزمون از معیار موفقیت یعنی معیار ۶۰ درصد بیشتر است. گرچه بین میزان موفقیت دانش‌آموزان دختر و پسر در کل آزمون و دو حیطه ریاضیات و مهارت‌های زندگی تفاوت چشمگیری مشاهده نشده است، لیکن در حیطه سوادآموزی میزان موفقیت دانش‌آموزان دختر از دانش‌آموزان پسر ۵/۶ درصد بیشتر است. (مجدر و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۲ به نقل از دانش‌پژوه ۱۳۸۰)

در سال ۱۳۴۶، در ایران اداره کل مطالعات و برنامه‌ها، آزمونی برای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال اول دبستان‌های تجربی در زمینه خواندن، حساب، علوم و تعلیمات دینی تدوین کرد (اداره کل مطالعات و برنامه‌ها، ۱۳۴۶) در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ بخش تحقیقات و ارزشیابی اداره کل امتحانات به استاندارد کردن آزمون‌های پیشرفت تحصیلی زبان فارسی، ریاضی، علوم، علوم اجتماعی برای دوره ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و دوره متوسطه اقدام کرد. این آزمون‌ها تا سال ۱۳۵۷ به‌عنوان یکی از ابزارهای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی مورد استفاده قرار می‌گرفت (پاشاشریفی و دانش‌پژوه، ۱۳۷۷: ۱۵).

بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات فارسی، به‌ویژه در قرن‌های چهارم و پنجم هجری، زمانی که احساسات ضد بیگانه در ایران شدت گرفت و حکام ایرانی به تقویت و ترویج فرهنگ و ادبیات بومی پرداختند، آغاز شد. این دوره، شاهد شکل‌گیری داستان‌سرایی‌های قوی و حماسی بود که با حمایت حکام سامانی، به‌ویژه در دوره‌هایی مانند قرن پنجم، به اوج خود رسید. فردوسی و دقیقی از مهم‌ترین شخصیت‌های این دوره هستند که بازآفرینی آثار کهن مانند «خدای‌نامه» را به شکلی باشکوه انجام دادند (پایور، ۱۳۸۸: ۳۶).

در طول قرون بعدی، این سنت ادبی به‌ویژه در میان بزرگان ادب فارسی ادامه یافت. ابن سینا با نگارش «رساله الطیر» و مولوی با بازآفرینی حکایت‌های عرفانی مانند «حی بن یقظان» نمونه‌هایی از این تلاش‌ها هستند. عطار نیز با الهام از آثار پیشینیان، داستان‌های عرفانی خود را بازآفرینی کرد. به‌عنوان مثال، داستان «شیخ صنعان» که از «تحفه الملوك» بازنویسی شده، نمونه‌ای از این بازآفرینی‌های خلاقانه است.

در قرون هفتم تا قاجار، بازنویسی آثار دینی نیز به‌شدت مورد توجه قرار گرفت. این بازنویسی‌ها باهدف تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه انجام می‌شد. عبدالرحمن جامی با بازنویسی داستان «یوسف و زلیخا» یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های این بازنویسی‌ها را ارائه کرد. دوره صفویه نیز شاهد رونق بازنویسی‌های دینی بود، به‌ویژه با توجه به اعلام مذهب شیعه به‌عنوان مذهب رسمی ایران.

با آغاز دوران قاجار و تأسیس مدرسه دارالفنون، ترجمه و بازنویسی آثار خارجی نیز به یکی از عوامل مهم در تحول ادبیات فارسی تبدیل شد. نویسندگانی مانند فتحعلی خان صبا با الهام از شاهنامه فردوسی، اثری به نام «شاهنشاهنامه» را به وجود آورد او همچنین با الهام از شکل و ساخت بوستان سعدی کتاب «گلشن صبا» را نوشت (پایور، ۱۳۸۸: ۴۷) ترجمه‌های ادبی نیز نقش مهمی در این دوران ایفا کردند. آثار ترجمه شده‌ای مانند «هزارویک‌شب» که توسط عبداللطیف طسوجی ترجمه شد، به‌عنوان منبعی برای بازآفرینی‌های خلاق در نمایشنامه‌ها و داستان‌ها مورداستفاده قرار گرفت.

در دوره معاصر نیز در سال‌های اخیر، اولین بازنویسی‌های ساده دینی را «مرتضی مطهری» در سال ۱۳۳۹ ه.ش به نام «داستان راستان» انجام داده است و پس از او «مهدی آذریزدی» در سال ۱۳۴۴ ه.ش «مجموعه قصه‌های قران» را بازنویسی ساده کرده است. پس از انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش توجه به مسائل دینی و روایات و احادیث بسیار زیاد شد به‌گونه‌ای که از نظر کمی بازنویسی‌های متعددی در این زمینه برای کودکان و نوجوان به وجود آمده است. (پایور، ۱۳۸۸: ۴۸ - ۴۷)

در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان، بازنویسی و بازآفرینی از اواسط قرن بیستم به‌ویژه پس از دهه ۱۳۳۰ شمسی با تلاش‌هایی مانند آثار مهدی آذریزدی و احسان یار شاطر شکل گرفت. «مهدی آذریزدی» با توجه به قصه‌های کلیله و دمنه در سال ۱۳۳۶ شروع به بازنویسی این کتاب کهن کرد (آذریزدی، ۱۳۳۶: ۱۱)؛ همچنین مهدی آذریزدی با بازنویسی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» به بازنویسی آثار کهن ادبیات فارسی همچون: شاهنامه، قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان؛ و احسان یارشاطر با بازنویسی «داستان‌های ایران باستان» به انتقال فرهنگ و ادبیات کهن به کودکان و نوجوانان کمک شایانی کردند.

در زمان مشروطه توجه به کودکان و نوجوان به‌عنوان موجودی مستقل و با حقوق و دنیای ویژه در جامعه جدی‌تر شد و نیاز بود نهادهایی ایجاد شوند که به احیای این حقوق بپردازند و جریان ادبیات کودکان و نوجوان را سرعت بیشتری ببخشند. افراد و سازمان‌های بسیاری در این زمینه فعالیت کردند؛ نهادهایی مانند شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز در توسعه و ترویج بازنویسی و بازآفرینی ادبیات کهن برای کودکان و نوجوانان نقش بسزایی داشتند. این نهادها با انتشار کتاب‌ها و تشویق نویسندگان به خلق آثار جدید، به رونق این حوزه کمک کردند.

شورا کتاب کودک در زمستان ۱۳۴۱ تأسیس شد و با اهدافی نظیر: تشویق ناشران و نویسندگان و هنرمندان و حمایت از آنان در تهیه و نشر کتاب‌های بهتر برای کودکان ایران،

تشویق نویسندگان و ناشران ایرانی برای کتاب‌های اصیل ایرانی، ایجاد امکاناتی برای دسترسی کودکان سراسر ایران به کتاب‌های خوب... فعالیت خود را آغاز کرد.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نهاد دیگری است که درباره بازنویسی و بازآفرینی از ادبیات کهن برای کودکان فعالیت‌های قابل توجهی داشته است. کانون در سال ۱۳۷۷ «پویش ویژه‌نامه دینی» را چاپ کرد و در آن در مورد مسائل نظری بازنویسی و بازآفرینی کتاب‌های دینی و دینی - تاریخی را مورد توجه قرار داد. زیرا بازنویسی و بازآفرینی همچون روش‌های آفرینش آثار ادبی برای آفریدن کتاب‌های تاریخی، دینی، زندگی‌نامه و مواردی از فرهنگ مثل: ضرب‌المثل‌ها، مثل‌ها، آیین‌ها و... به کار گرفته می‌شود که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در سال‌های جدیدتر مؤلفان شیخی نویسنده و باز نویس برخی از حکایات گلستان، بوستان، کلیله و دمنه، قابوس‌نامه، منطق الطیر برای کودکان است. در سال ۱۳۸۹ مجموعه‌ای شش جلدی قصه‌های تصویری از گلستان را بازنویسی کرده است که اسامی این حکایت‌ها عبارت‌اند از: غلام دریا ندیده، شاهزاده کوتاه‌قد، نگهبان جوان، درویش طمع‌کار، گدایی که پادشاه شد و سفر دورودراز، به زبانی ساده و قابل فهم نوشته شده است. او سعی نموده است تا داستان‌های سعدی را با حفظ روح و پیام اصلی آنها، به شکلی جذاب و قابل درک برای نسل جدید ارائه کند. کتاب‌های «قصه‌های تصویری از گلستان» با تصاویر رنگی و جذاب همراه است که کودکان می‌توانند به راحتی با این کتاب ارتباط برقرار کنند.

فرهاد حسن‌زاده در سال ۱۳۹۱ به بازآفرینی ۱۸ حکایت از گلستان سعدی پرداخته است. او در کتاب «بازآفرینی هجده حکایت از گلستان سعدی» به بازنویسی و بازآفرینی برخی از حکایت‌های معروف گلستان سعدی می‌پردازد. این کتاب باهدف ارائه مفاهیم و پیام‌های حکایت‌های سعدی به زبانی ساده‌تر و قابل فهم‌تر برای مخاطبان امروزی، به‌ویژه کودکان و نوجوانان نگارش یافته است. از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به: بازآفرینی و ساده‌سازی این کتاب اشاره کرد که حسن‌زاده با حفظ روح و معنای اصلی حکایت‌ها، آنها را به زبانی ساده‌تر و روان‌تر بازآفرینی کرده است تا مخاطبان بیشتری را به سوی گلستان سعدی بکشاند.

براین اساس بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات فارسی، نه تنها به حفظ و انتقال میراث فرهنگی ایران کمک کرده، بلکه با سازگاری با نیازها و علایق مخاطبان مختلف، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، ادبیات کهن را زنده و پویا نگه داشته است. این روش‌ها از دیرباز تا کنون، همچنان به عنوان ابزاری مؤثر در آموزش و ترویج فرهنگ ایرانی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات نه تنها به ایران محدود نمی‌شود؛ بلکه در ادبیات جهانی نیز ریشه دارد. یکی از نمونه‌های بارز این موضوع، آثار «هومر» است که حماسه‌های مشهور خود یعنی «ایلیاد» و «ودیس» را با استفاده از بازنویسی و بازآفرینی داستان‌ها و اساطیر

کهن یونان به وجود آورد. هومر با به‌کارگیری این دو روش، داستان‌هایی پرشور و جاودان از قهرمانان و خدایان یونانی خلق کرد که تا امروز تأثیرگذار بوده‌اند. دانتی نیز در ادبیات ایتالیا با بازنویسی و بازآفرینی داستان‌ها و افسانه‌های قدیمی، کتاب مشهور خود «کمدی الهی» را نوشت. او این اثر بزرگ را با الهام از متون کهن مذهبی و اساطیری و با افزودن تخیل و دیدگاه‌های خود، به یکی از مهم‌ترین آثار ادبیات جهان تبدیل کرد. دانتی با بازآفرینی افسانه‌ها، آنها را با شرایط و نیازهای زمانه خود هماهنگ کرد. ویلیام شکسپیر، نمایشنامه‌نویس برجسته انگلیسی، نیز با استفاده از روش بازنویسی، بسیاری از آثار ماندگار خود را خلق کرد. به‌عنوان مثال، «رومئو و ژولیت» که بازنویسی سرگذشت دو جوان عاشق از داستانی عربی است و «تاجر ونیزی» که احتمالاً از منابع شرقی الهام گرفته شده است. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که شکسپیر نیز از داستان‌های قدیمی وام گرفته و با بازآفرینی آنها، نمایشنامه‌هایی با مضمون‌های جهانی و جاودانه آفریده است.

با مرور پیشینه تحقیق برتری این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌ها به دلایل متعددی استوار است که آن را از دیگر مطالعات مشابه متمایز می‌سازد. این دلایل به تفصیل در زیر بیان شده است:

الف: ترکیب منحصر به فرد عناصر پژوهشی: این پژوهش نخستین تحقیقی است که به طور هم‌زمان سه عنصر کلیدی یعنی آزمون پرلز و بازنویسی و بازآفرینی و حکایت‌های سعدی در یک چارچوب واحد مورد بررسی قرار داده است. پیش‌ازین، هر یک از این عناصر به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، اما ترکیب این سه عنصر در یک پژوهش، بُعدی جامع و منحصر به فرد به آن بخشیده است. این رویکرد ترکیبی نه تنها به فهم بهتر هر یک از این عناصر کمک می‌کند، بلکه تأثیرات متقابل آنها را نیز به روشنی نشان می‌دهد.

ب: آموزش اصولی بازنویسی و بازآفرینی: برای اولین بار در این پژوهش آموزش بازنویسی و بازآفرینی به شیوه‌ای اصولی و ساختارمند به دانش‌آموزان ارائه شده است. این روش آموزشی نه تنها به بهبود توانایی‌های زبانی و نگارشی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه آنان را با فنون ادبی و خلاقیت در نگارش آشنا می‌سازد. آموزش ساختارمند این مهارت‌ها موجب می‌شود تا دانش‌آموزان بتوانند با اعتماد به نفس بیشتر و دقت افزون‌تر به نگارش بپردازند و آثار ادبی با کیفیت‌تری خلق کنند.

ج: استفاده از حکایت‌های گلستان در آموزش آزمون پرلز: نخستین بار است که از حکایت‌های گلستان برای آموزش و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای آزمون پرلز بهره برده است. انتخاب حکایت‌های سعدی به دلیل غنای ادبی، مفاهیم اخلاقی و آموزه‌های عمیق انسانی آنها، رویکرد نوآورانه و مؤثر در آموزش و ارزیابی مهارت‌های خواندن و درک مطلب دانش‌آموزان فراهم آورده

است. استفاده از این حکایت‌ها به‌عنوان ابزار آموزشی، نه‌تنها به تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه آنان را با فرهنگ و ادبیات غنی فارسی نیز آشنا می‌سازد. این ویژگی‌ها، پژوهش حاضر را از سایر تحقیقات متمایز ساخته و برتری آن را در زمینه‌های آموزشی و ادبی به اثبات می‌رساند. این تحقیق نه‌تنها به ارتقای سطح آموزشی کمک می‌کند، بلکه بستری برای تحقیقات آینده در این زمینه‌ها فراهم می‌آورد و راهگشای روش‌های نوین در آموزش و پژوهش ادبیات فارسی است.

روش تحقیق

این مطالعه حاضر یک تحقیق پیمایشی - توصیفی است که به‌صورت مقطعی تحلیلی انجام شد. طرح این پژوهش به‌صورت آزمایشی است که بر روی دو گروه آزمایش و گواه به اجرا درآمده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل ۱۳۶ دانش‌آموز پایه نهم دبیرستان خواجه عبدالله انصاری در منطقه چهار شهر تهران و ۲۰۴ دانش‌آموز پایه نهم دبیرستان‌های وحدت و هاجر در منطقه هفت شهر تهران است که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ مشغول تحصیل بودند. روش نمونه‌گیری بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای - تصادفی انتخاب شده و از هر مدرسه ۹۰ در پژوهش شرکت نمودند.

به‌منظور به‌دست‌آوردن اطلاعات از سؤالاتی که بر اساس بیست حکایت گلستان سعدی که برای آموزش بازنویسی و بازآفرینی تدریس شده بود و به‌صورت پرسش‌نامه تنظیم درآمده بود، استفاده شد. در ادامه ابزار پژوهش شرح داده شده است.

آزمون پرلز: آزمون پرلز شامل آزمون‌های نوشتاری درک مطلب باهدف سنجش توسعه سواد خواندن دانش‌آموزان پایه چهارم و تکمیل پرسش‌نامه‌هایی است که هدف از آن جمع‌آوری اطلاعات در مورد بافت‌ها و عوامل مؤثر بر توسعه سواد خواندن است. توانایی دانش‌آموزان برای درک متن با به‌کارگیری چهار فرایند درک مطلب که عبارت‌اند از: تمرکز و بازیابی اطلاعات، استنباط و نتیجه‌گیری مستقیم، تفسیر و تلفیق ایده‌ها و اطلاعات، بررسی و ارزیابی محتوا؛ به‌وسیله سؤالات درک مطلبی که به دنبال هر متن می‌آید، ارزیابی می‌شود. سؤالات به دو صورت چندگزینه‌ای و پاسخ ساز هستند و هر سؤال چندگزینه‌ای یک امتیاز دارد و سؤالات پاسخ ساز بسته به عمق درک مطلب، یک یا دو و گاه سه نمره دارد.

حکایت‌های گلستان سعدی: در انتخاب بیست حکایت ابتدا سعی شده است حکایت‌هایی در نظر گرفته شود که دارای آموزه‌های تربیتی و اخلاقی باشند تا دانش‌آموزان به طور غیرمستقیم در حین بازنویسی و بازآفرینی مورد پرورش اخلاقی و تربیتی قرار بگیرند. همچنین در گزینش این حکایت‌ها به هماهنگی آنها با اهداف سؤالات پرلز نیز توجه شده است و حکایت‌هایی با محتوای ژرف برای طراحی سؤالات آزمون پرلز مورد استفاده قرار گرفته است تا دانش‌آموزان را به

تمرکز و استنباط در مورد حکایت‌ها و تفسیر و ارزیابی ترغیب کند. شایان ذکر است که در طراحی سؤالات پرلز به حکایت‌هایی توجه شده که هم جذاب و هم آموزنده و هم مطابق سن دانش‌آموزان متوسطه اول باشند و هم آن حکایت‌ها قابلیت طراحی چهار حیطه (تمرکز، استنباط، تفسیر و ارزیابی) داشته باشند. در جدول ۱- اسامی باب‌ها و شماره باب‌ها و نام حکایاتی از گلستان سعدی را که هم در بحث آموزش بازنویسی و بازآفرینی و هم در طراحی سؤالات پرلز از آنها استفاده شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱- باب‌ها و حکایت‌های منتخب گلستان سعدی برای آزمون پرلز

نام باب	شماره باب	شماره حکایت	نام باب	شماره باب	شماره حکایت
در سیرت پادشاهان	باب اول	سوم	در فواید خاموشی	چهارم	نهم
در سیرت پادشاهان	باب اول	هفتم	در فواید خاموشی	چهارم	سیزدهم
در سیرت پادشاهان	باب اول	بیست و یکم	در عشق و جوانی	پنجم	سیزدهم
در سیرت پادشاهان	باب اول	بیست و ششم	در ضعف و پیری	ششم	ششم
در سیرت پادشاهان	باب اول	سی و ششم	در ضعف و پیری	ششم	هفتم
در اخلاق درویشان	باب دوم	شش	در تأثیر تربیت	هفتم	یکم
در اخلاق درویشان	باب دوم	هفده	در تأثیر تربیت	هفتم	چهارم
در فضیلت قناعت	باب سوم	ششم	در تأثیر تربیت	هفتم	چهاردهم
در فضیلت قناعت	باب سوم	شانزدهم	در تأثیر تربیت	هفتم	هفدهم
در فضیلت قناعت	باب سوم	بیست و دوم	در تأثیر تربیت	هفتم	هجدهم

روش اجرا: پس از انتخاب حکایت از آنجاکه یکی از اهداف آزمون پرلز خواندن برای کسب تجربه ادبی و کسب اطلاعات است، ابتدا با توجه به خوانش دبیر از هریک از حکایات، دانش‌آموزان نیز حکایت موردنظر خود را به شیوه‌ای صحیح خواندند و سپس با کمک دبیر بعضی از حکایت‌ها برای دانش‌آموزان معنا شد تا آنها بهتر بتوانند به بازنویسی و در نهایت به بازآفرینی حکایات بپردازند. در مرحله بعد طبق آموزش‌هایی که در زمینه بازنویسی و بازآفرینی داده شد. نکاتی که در یک بازنویسی ساده و یا خلاق نیاز است در نظر گرفته شود از جمله: درک مطلب اصلی، بازنویسی با حفظ معنای اصلی، تغییر ساختار جمله‌ها بدون تغییر معنا، استفاده از واژگان متنوع

و مناسب، قراردادن واژگان مترادف به جای استفاده از واژگانی که چندین بار بیان شده است، روشنی و قابل فهم بودن متن، حفظ پیوستگی و انسجام متن، بازنویسی به شیوه ساده و خلاق، رعایت قواعد دستوری و املائی و خلاصه کردن متن اصلی بدون ازدست دادن نکات مهم؛ تدریس شد و نمونه‌هایی از بازنویسی‌هایی که به این صورت نوشته شده را در کلاس خوانده و نوشته شد. پس از ارائه آثار بازنویسی توسط دانش‌آموزان، در مرحله بعد آنها باید به مرحله بازآفرینی می‌پرداختند.

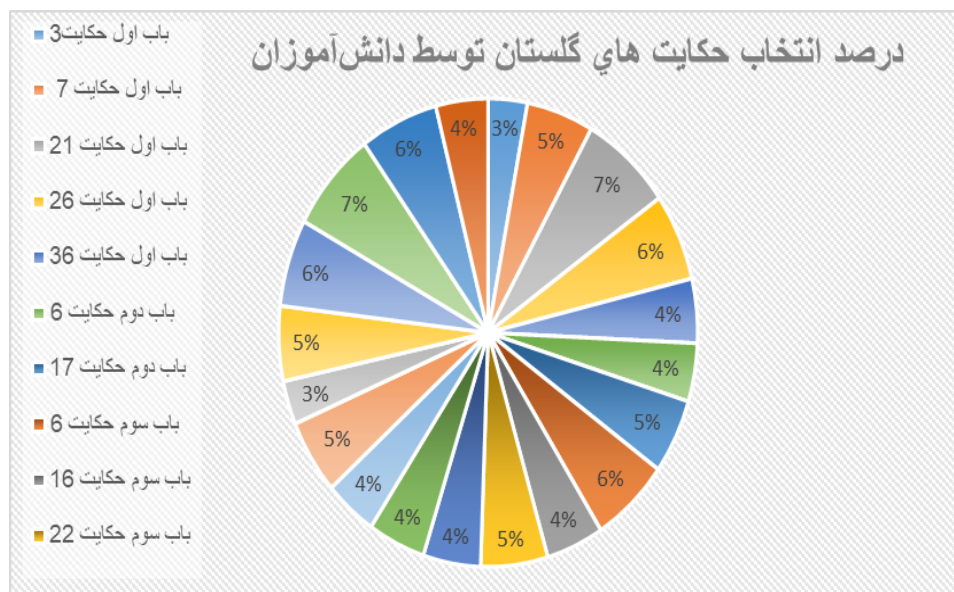
این مرحله که برای دانش‌آموزان بسیار جذاب بود و علاقه خاصی برای نوشتن آن از خود نشان می‌دادند، ابتدا آموزه‌هایی در زمینه داستان‌نویسی و مواردی که در نوشتن داستان باید در نظر گرفته شود از جمله: پی‌رفته‌های هر داستان، شخصیت‌پردازی، درون‌مایه داستان، زاویه دید و فضا سازی. همچنین آموزش‌هایی در مورد: درک عمیق در مورد حکایت منتخب و خلق مجدد متن با ایده‌های خلاقانه و جدید، توسعه و گسترش ایده‌های اصلی، استفاده از سبک‌ها و ژانرهای مختلف، ایجاد پیوندهای منطقی بین ایده‌ها، استفاده از استعاره‌ها و تشبیهات مناسب و رعایت قواعد دستوری و املائی و نگارشی به دانش‌آموزان داده شد. برای آموزش بهتر دانش‌آموزان باب هفتم حکایت هفدهم توسط خود دبیر بازنویسی و سپس بازآفرینی شد. یکی دیگر از آموزه‌هایی که به دانش‌آموزان داده شد تدریس انواع مختلف ژانرهای داستان‌نویسی بود. ابتدا انواع ژانرها را که عبارت بودند از: دراماتیک، عاشقانه، پلیسی و جنایی، فانتزی، هیجان‌انگیز، ترسناک، تاریخی، کمدی، ماجراجویانه به دانش‌آموزان معرفی شد و در مورد هر یک تعریفی ارائه شد و قرار شد دانش‌آموزان با هر ژانری که دوست دارند داستان بازآفرینی خود را بنویسند.

در گروه آزمایش (دبیرستان خواجه عبدالله انصاری) ابتدا از اوایل ماه دی ۱۴۰۲ آموزش بازنویسی و سپس آموزش بازآفرینی تدریس شد و سپس در اردیبهشت ۱۴۰۳ پس از پنج ماه آموزش، آزمونی به شیوه آزمون پرلز از بیست حکایت گلستان سعدی طراحی شد و دانش‌آموزان برحسب حکایاتی که کار کرده بودند به این سؤالات پاسخ دادند. در گروه گواه (مدارس هاجر و وحدت) هیچ کدام از حکایات تدریس نشد و فقط آزمون بیست حکایت گلستان سعدی بر اساس آزمون پرلز در مدت ۶۰ دقیقه انجام گرفته شد و سپس نتایج آزمون بر اساس چهار حیطه تمرکز و بازیابی اطلاعات، استنباط و نتیجه‌گیری مستقیم، تفسیر و تلفیق ایده‌ها، بررسی و ارزیابی محتوا؛ مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت.

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از این پژوهش از آمار توصیفی نظیر فراوانی، میانگین و شاخص‌های پراکندگی استفاده شد.

نتایج:

نتایج توصیفی:



نمودار ۱- در صد انتخاب بیست حکایت گلستان سعدی توسط دانش آموزان گروه آزمایش

در نمودار ۱ همان طور که مشاهده می شود از بین ۱۳۶ دانش آموز گروه آزمایش دبیرستان خواجه عبدالله هریک از دانش آموزان به تنهایی یا در گروه دوفره حکایتی را انتخاب کردند. نحوه گزینش حکایت انتخابی بود به گونه ای که هر کدام از آنها حکایتی را که دوست داشتند و با آن می توانستند به بازنویسی و بازآفرینی بپردازند را انتخاب نمودند. برای همین است که تعداد افرادی که حکایتی را برای خود برگزیدند در بعضی از حکایات بیشتر و در بعضی از آنها کمتر است.

جدول ۲ نتایج توصیفی چهار حیطه آزمون پرلز را نشان می دهد.

جدول ۲- نتایج گروه آزمایش و گواه در پاسخگویی به سؤالات در چهار حیطه پرلز

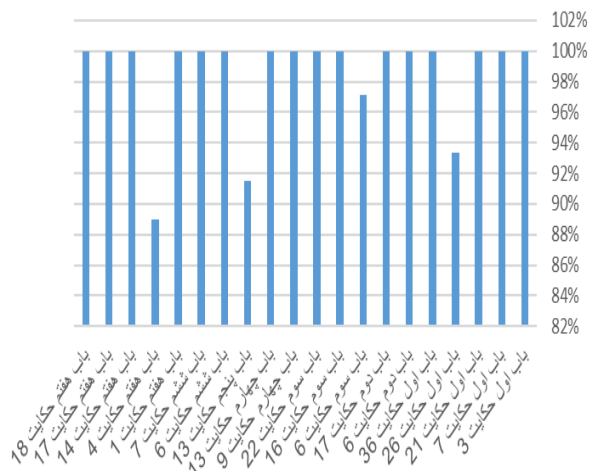
نام دبیرستان	حیطه تمرکز	حیطه استنباط	حیطه تفسیر	حیطه ارزیابی
هاجر	۷۷.۱۶۵۵	۵۵.۷۷۴	۵۱.۸۶۱۵	۵۴.۶۳۲۵
وحدت	۸۳.۱۲۰۵	۵۳.۲۸۶۵	۳۹.۴۰۸	۴۳.۹۹۹
خواجه عبدالله انصاری	۹۸.۵۴۸۵	۹۳.۲۵	۹۴.۰۵	۹۷.۱۷۸۵

بررسی فرضیات

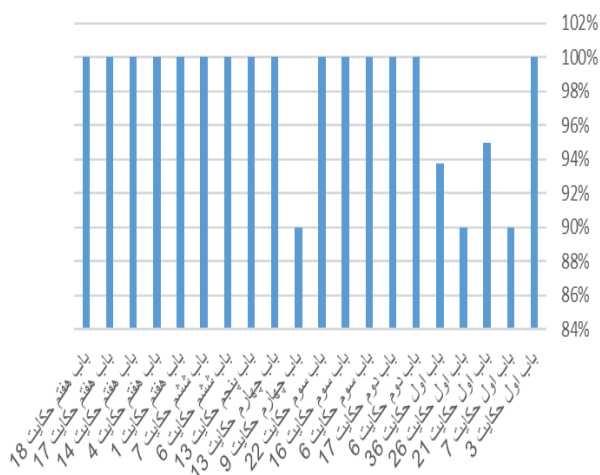
۱- آموزش بازنویسی و بازآفرینی حکایات گلستان سعدی به بهبود عملکرد دانش آموزان در آزمون پرلز منجر می شود:

باتوجه به چهار حیطه آزمون نتایج آزمون گروه آزمایش (دبیرستان خواجه عبدالله انصاری) در سؤالات پرلز گلستان را می توان در نمودارهای زیر مشاهده کرد:

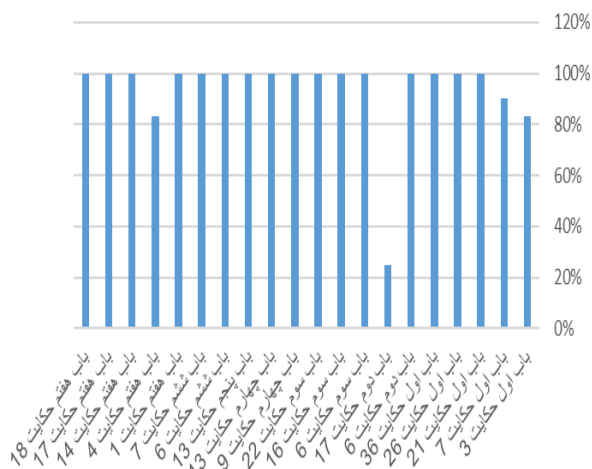
نتایج پاسخگویی گروه آزمایش در حیطه تمرکز پرلز گلستان



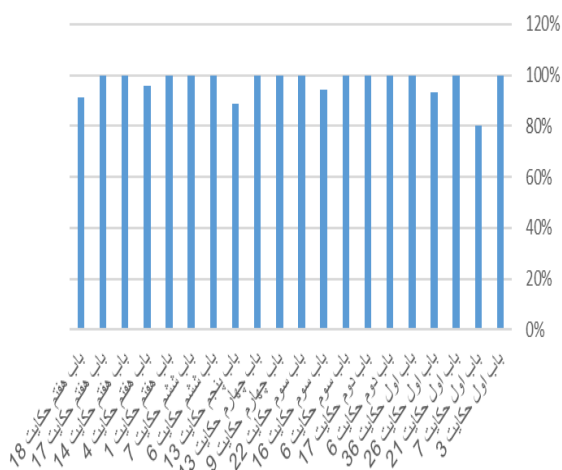
نتایج پاسخگویی گروه آزمایش در حیطه استنباط پرلز گلستان



نتایج پاسخگویی گروه آزمایش در حیطه تفسیر پرلز گلستان



نتایج پاسخگویی گروه آزمایش در حیطه ارزیابی پرلز گلستان



نمودار ۲- نتایج پاسخگویی گروه آزمایش در حیطه آزمون پرلز گلستان سعدی

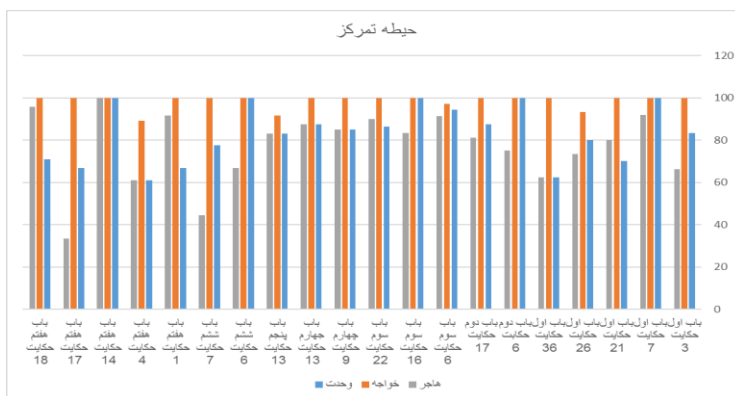
باتوجه به نمودار ۲ می‌توان مشاهده کرد که دانش‌آموزان گروه آزمایش در اکثر حکایت‌ها توانستند نمره قسمت تمرکز را دریافت کنند و فقط در باب هفتم حکایت چهارم نتوانستند رتبه بالای ۹۰٪ را دریافت کنند که به نظر می‌رسد به خاطر عدم دقت به متن حکایت دو نفر از دانش‌آموزان نتوانستند نمره این سؤال را به دست بیاورند.

در نمودار حیطه استنباط اکثر دانش‌آموزان گروه آزمایش باز هم توانستند در اکثر حکایات نمره سؤال موردنظر را دریافت کنند؛ ولی از آنجاکه در این حیطه لازم است دانش‌آموزان معنای قسمتی از حکایت را باتوجه به کل حکایت به دست بیاورند، این مرحله برای دانش‌آموزان به دلیل درک و استنباط متن کمی نسبت به مرحله تمرکز دشوارتر به نظر می‌رسد برای همین در سه حکایت ما شاهد نمرات زیر ۹۰٪ هستیم.

حیطه تفسیر نسبت به مرحله استنباط دشوارتر به نظر می‌رسد؛ زیرا در این مرحله دانش‌آموز باید سعی کند اطلاعات و تجربیات خود را با مفاهیمی که در متن حکایت آمده منطبق کند و به نظر و اهدافی که نویسنده (سعدی) از بیان آن حکایت دارد پی ببرد درک این قسمت برای تمام دانش‌آموزان به خصوص دانش‌آموزان ضعیف امکان‌پذیر نیست و عده‌ای از آنها قادر به پاسخگویی این نوع سؤالات نیستند از جمله در باب دوم حکایت هفده با این که سؤال زیاد پیچیده نبود؛ ولی عده‌ای از دانش‌آموزان مفهوم شعر این حکایت را نتوانستند درک کنند و پاسخ‌های مناسبی ندادند. ولی باین حال در اکثر سؤالات این حیطه ما شاهد نمرات بالای ۸۰٪ هستیم.

در حیطه ارزیابی در اکثر حکایات دانش‌آموزان توانستند به نمرات بالای ۸۰٪ دست پیدا کنند؛ زیرا در قسمت ارزیابی دانش‌آموز خود به ارزیابی حکایت دست‌زده است و نظر خود را درمورد حکایت باتوجه به تعبیر و تفسیر خود از متن بیان کند و همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد سؤالات ارزیابی در اکثر حکایات در انتهای سؤالات آورده شده تا دانش‌آموز بتواند متن را به‌خوبی درک کند و قضاوت خود را در مورد حکایت موردنظر بیان کند.

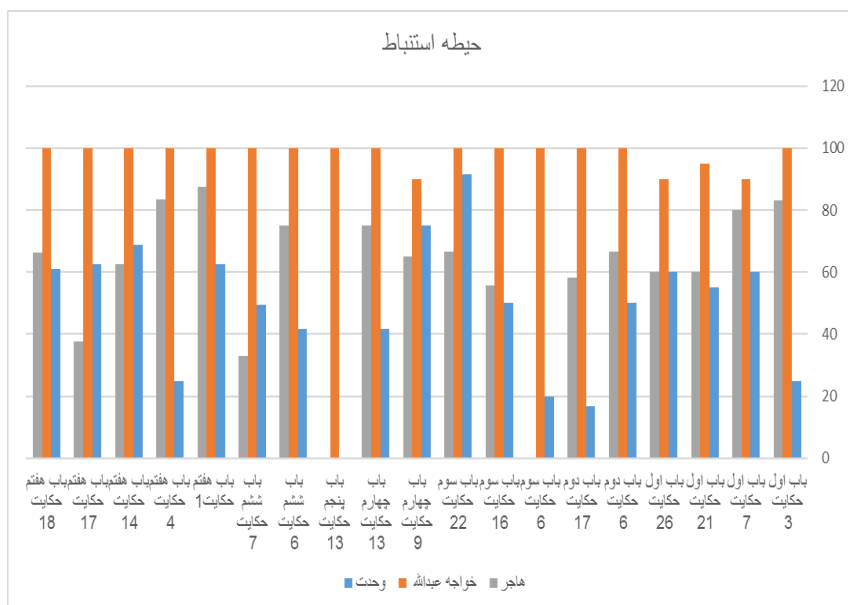
۲- دانش‌آموزانی که تحت آموزش قرار گرفته‌اند در حیطه تمرکز عملکرد بهتری داشته‌اند.



نمودار ۳- میزان پاسخگویی گروه گواه و آزمایش به آزمون پرلز گلستان سعدی در حیطه تمرکز

همان‌طور که در نمودار ۳ مشاهده می‌شود در تمام حکایت‌ها میزان پیشرفت دانش‌آموزان دبیرستان خواجه عبدالله انصاری به دلیل آموزش‌های انجام شده نسبت به گروه گواه بیشتر است؛ ولی در بعضی حکایت‌ها نیز شاهد برابری دبیرستان وحدت و گاه هاجر با دبیرستان خواجه عبدالله انصاری هستیم علت این امر چنانچه قبلاً ذکر شد این است که در حیطه تمرکز به دلیل این که پاسخ‌ها مستقیماً در متن به‌صراحت آمده است دانش‌آموزانی که آموزش هم ندیده باشند هم می‌توانند با کمی تمرکز به استخراج اطلاعات از بخش‌های مختلف متن بپردازند.

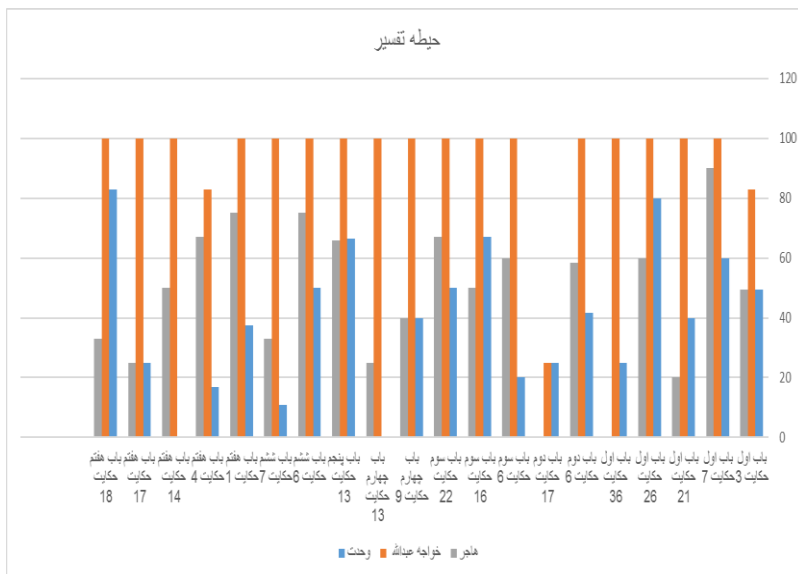
۳- دانش‌آموزانی که تحت آموزش قرار گرفته‌اند در حیطه استنباط عملکرد بهتری دارند.



نمودار ۴- میزان پاسخگویی گروه گواه و آزمایش به آزمون پرلز گلستان سعدی در حیطه استنباط

چنانچه در نمودار ۴ مشخص است، گروه آزمایش باز توانسته است بهترین رتبه را نسبت به گروه گواه کسب کند و در اکثر حکایت‌ها رتبه بالای ۸۰٪ را به دست بیاورد و این بیانگر تأثیر بازنویسی حکایت‌هایی است که در این زمینه انجام داده بودند و با تمرکز بر روی متن توانسته‌اند به استنباط مستقیمی برسند و به سؤالات به‌درستی پاسخ بدهند.

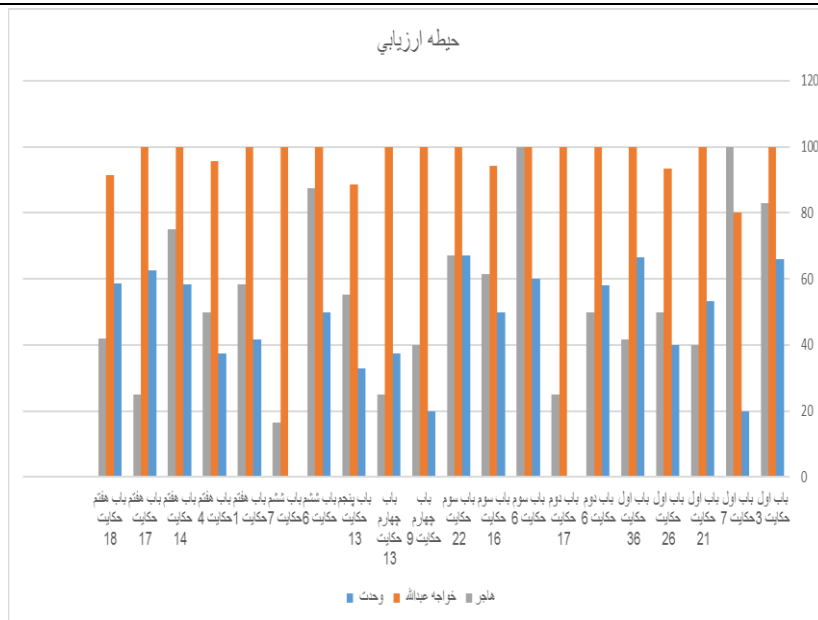
۴- دانش‌آموزانی که تحت آموزش قرار گرفته‌اند در حیطه تفسیر عملکرد بهتری دارند.



نمودار ۵- میزان پاسخگویی گروه گواه و آزمایش به آزمون پرلز گلستان سعدی در حیطه تفسیر

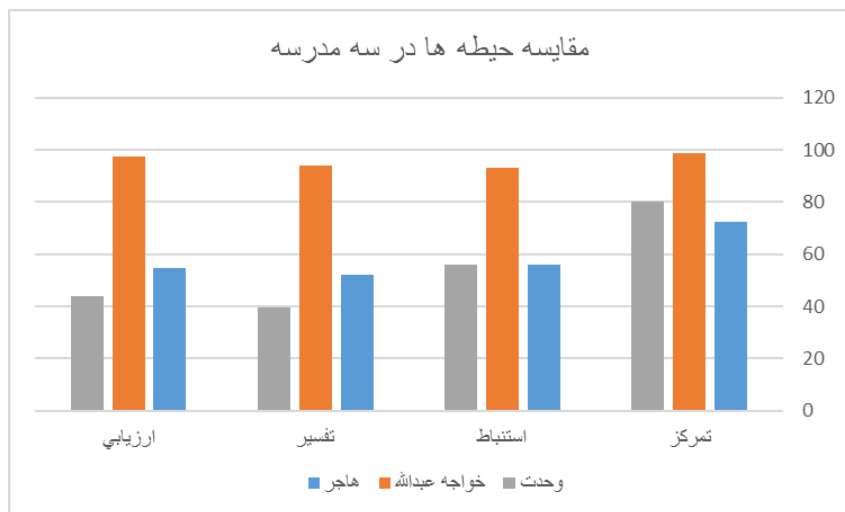
باتوجه به نمودار ۵ و مشاهده رتبه گروه آزمایش در هر کدام از حکایت‌ها درک می‌کنیم که اگر نوشته‌ای ادبی را در قالب داستانی بازنویسی و بازآفرینی کنیم هرچند متن کهن باشد، باعث درک بیشتر در دانش‌آموزان می‌شود. در حیطه تفسیر که نسبت به بقیه حیطه‌ها کمی دشوارتر به نظر می‌رسد، زیرا در این حیطه علاوه بر دانش مستقیم خود نیاز به درک جهان و همچنین نیازمند دانش و تجربیات پیشین خود نیز است و معمولاً معناهایی که از طریق تفسیر و تلفیق اطلاعات ساخته می‌شوند بسته به دانش و تجربیات هر کس متفاوت است، ولی باین‌حال متوجه می‌شویم دانش‌آموزان گروه آزمایش به درک درستی از حکایت رسیده‌اند و توانسته‌اند به خوبی سؤال‌های این بخش را پاسخ بدهند. لازم به ذکر است از آنجاکه در طراحی سؤالات پرلز هم باید از سؤالات چندگزینه‌ای و هم پاسخ ساز استفاده کرد گروه گواه به سؤالات چندگزینه‌ای تا حدودی به خوبی پاسخ داده‌اند (شاید علتش اشاره‌ای است که در هر گزینه وجود دارد) ولی معمولاً به سؤالات پاسخ ساز به خوبی پاسخ نداده‌اند.

۵- دانش‌آموزانی که تحت آموزش قرار گرفته‌اند در حیطه ارزیابی عملکرد بهتری دارند.



نمودار ۶- میزان پاسخگویی گروه گواه و آزمایش به آزمون پرلز گلستان سعدی در حیطه ارزیابی

از آنجاکه در حیطه ارزیابی هر دانش‌آموز برحسب محتوا، بر پایه تفسیر و ارزیابی خود پیام سؤال را رد و یا قبول می‌کند و با نگاه نقادانه به آن سؤال پاسخ می‌دهد پس در تمام سؤالات ارزیابی تا حدودی با نظرات درست و گاه نادرست دانش‌آموزان برخورد می‌کنیم. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌کنیم شاهد برابری دانش‌آموزان دبیرستان هاجر (گروه گواه) با دانش‌آموزان دبیرستان خواجه عبدالله انصاری (گروه آزمایش) در دو حکایت (باب اول حکایت هفتم و باب سوم حکایت ششم) هستیم و در دیگر حکایات در صد دانش‌آموزان گروه آزمایش بالاتر است. در این دو حکایت هم به دلیل این که در حکایت هفتم باب اول از دانش‌آموزان خواسته شده که نظر خود را در مورد حکایت بیان کنند دانش‌آموزان دبیرستان هاجر توانستند؛ مانند دبیرستان خواجه عبدالله انصاری پیام حکایت را به‌درستی درک کنند و آن را در قالب جملات آموزنده بیان کنند و در مورد حکایت ششم باب سوم به دلیل این که سؤال در رابطه با مقایسه دو امر نسبتاً بدیهی است باز دبیرستان هاجر (گروه گواه) توانسته با دبیرستان خواجه عبدالله در یک‌مرتبه قرار بگیرد.



نمودار ۷-مقایسه چهار حیطه پرلز در گروه آزمایش و گواه

باتوجه به نمودار ۷ می‌توان گفت که: سه دبیرستانی که برای این پژوهش انتخاب شده از نظر سطح آموزش تقریباً در یک سطح هستند؛ ولی همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود دبیرستان خواجه عبدالله انصاری به‌عنوان گروه آزمایش به دلیل آموزه‌هایی که در زمینه بازنویسی و بازآفرینی حکایات گلستان دیده‌اند به درک نسبتاً عمیقی در مورد هر حکایت رسیده و توانسته‌اند سؤالات را به‌خوبی پاسخ بدهند و در تمام حیطه‌ها تقریباً ۹۰٪ موفقیت داشته‌اند؛ ولی دو دبیرستان هاجر و وحدت که در گروه کنترل (گواه) قرار دارند به جز در حیطه تمرکز (که فقط در سطح سؤالاتی است که پاسخ آنها به‌صراحت در متن آمده است) در بقیه حیطه‌ها به دلیل عدم آموزش نتوانستند به پیشرفتی در این زمینه نایل شوند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیر آموزش بازنویسی و بازآفرینی بیست حکایت گلستان سعدی بر اساس آزمون پرلز پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آموزش بازنویسی و بازآفرینی حکایات گلستان سعدی به بهبود عملکرد دانش‌آموزان در آزمون پرلز منجر می‌شود. یکی از اهداف خواندن متون ادبی، خواندن برای کسب تجربه ادبی است. ادبیات به دانش‌آموز فرصت می‌دهد تا در معرض تجربیات و احساسات نویسنده قرار بگیرد که ممکن است قبلاً آنها را نیاموخته باشد. وقایع و رویدادها در داستان‌ها و حکایت‌های کهن و روایی، به فرد اجازه می‌دهد تا به طور غیرمستقیم موقعیت‌هایی را تجربه کرده و در موردشان تفکر کند. در ارزیابی پرلز برای رسیدن به تجربه درست خواندن، باید از متونی استفاده کرد که شامل تجربیات روزانه دانش‌آموزان باشد. بدین جهت، از کتاب‌ها یا متونی استفاده می‌شود که علاوه بر دارا بودن

فرایندهای درک مطلب، شامل داستان‌ها و حکایت‌هایی باشد که با مسائل مشابهی که در یک تجربه واقعی و معتبر خواندن با آن روبه‌رو می‌شود، هماهنگ باشد. حکایات گلستان دارای هر چهار مهارت درک مطلب (تمرکز، استنباط، تفسیر و ارزیابی) است که دانش‌آموزان می‌توانند علاوه بر اهداف موردنظر، به درک این چهار مهارت نیز دست یابند.

در این پژوهش آموزش بازنویسی و بازآفرینی حکایات «گلستان سعدی» با در نظر گرفتن تمامی این اهداف انجام شده است. با آموزش‌های مستمری که به دانش‌آموزان در مدت پنج ماه داده شد، آنها توانستند علاوه بر درست‌خوانی حکایات «گلستان»، در چهار حیطه درک مطلب با توجه به بازنویسی‌ها و باز آفرینی‌های خود مهارت کسب کنند و نتایج نشان می‌دهد که بین نمرات گروه آزمایش (دبیرستان خواجه عبدالله انصاری) و گروه گواه (دبیرستان‌های وحدت و هاجر) بر اساس متغیر آموزش بازنویسی و بازآفرینی گلستان سعدی تفاوت معناداری وجود دارد و این آموزش توانسته است اثرات موفقیت‌آمیزی در آزمون پرلز دانش‌آموزان گروه آزمایش داشته باشد. علاوه بر این، آموزش بازنویسی و بازآفرینی حکایات «گلستان سعدی» باعث یادگیری خواندن و درک مطلب به صورت خودانگیخته شد. دانش‌آموزان به یادگیری‌هایی که طبیعی و خودانگیخته باشد، علاقه بیشتری دارند و آن را بر یادگیری‌های آموزشگاهی ترجیح می‌دهند و یادگیری به این طریق را ماندگارتر از آموزش رسمی می‌دانند.

آموزش بازنویسی و بازآفرینی حکایات سعدی این فرصت را فراهم کرد که دانش‌آموزان بدون اجبار حکایتی را بخوانند، درک کنند و سپس بر اساس آن داستانی متناسب با خلاقیت و استعداد خود خلق کنند. این روش باعث کسب مهارت‌های خواندن و درک مطلب و موفقیت در آزمون پرلز شد. آموزش بازنویسی و بازآفرینی حکایات سعدی علاوه بر بهبود روند در آزمون پرلز، یکی از راه‌های پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان است و باعث شکوفایی استعدادهای نهفته آنها می‌شود. با بازآفرینی حکایات دانش‌آموزان به این درک می‌رسند که توانایی و استعداد نویسندگی دارند و می‌توانند در آینده به بازنویسی و بازآفرینی داستان‌های کهن ادبیات فارسی برای کودکان و نوجوانان بپردازند و در این زمینه موفقیت‌هایی کسب کنند.

نتایج نشان داد که آموزش بازنویسی و بازآفرینی حکایات گلستان سعدی بر روی حیطه تمرکز دانش‌آموزان تأثیر داشته است. به عبارت دیگر این آموزش سبب شده است که نمرات آزمون پرلز گروه آزمایش (دبیرستان خواجه عبدالله انصاری) در برابر گروه گواه (دبیرستان‌های هاجر و وحدت) در حیطه تمرکز افزایش داشته باشد. در آموزش‌هایی که در رابطه با حیطه تمرکز به دانش‌آموزان گروه آزمایش داده شد از آنها خواسته شد تمرکز خود را بر جزئیات متن متمرکز کنند. ابتدا به معانی کلمات و واژه‌هایی که تابه‌حال نشنیده‌اند و در کتاب‌درسی‌شان وجود ندارد (همانند واژه‌های: طلوع، تپانچه، ضمین و...) دقت کنند و معانی این واژه‌ها را از کتاب‌های

فرهنگ لغات به دست بیاورند. سپس درباره اصطلاحاتی که در این حکایات وجود دارد و در ادبیات عامه امروزی کمتر از آنها استفاده می‌شود (همانند: ترش روی، سایه‌پرورده، مصحف مهجور و...) تحقیق کنند و به معانی آنها دست یابند. با خوانش صحیح متن به مقصود جمله که به صراحت بیان شده است پی ببرند و در هنگام خواندن متن به فضای داستان (زمان و مکان حکایت) نیز توجه کنند. این آموزش‌ها باعث شد که دانش‌آموزان در بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌های داستان‌های خود به تمام جزئیات نیز توجه کرده، بین زمان و مکان داستان خود تناسب برقرار کنند و از واژه‌ها و اصطلاحات مناسبی استفاده نمایند. همچنین سعی نمودند داستان‌هایشان را با توصیفات زیبا (همانند: توصیف مکان‌ها، چهره‌ها، وقایع و رویدادها و...) همراه کنند.

بر اساس یافته‌های تحقیق آموزش بازنویسی و بازآفرینی حکایت‌های گلستان با توجه به میانگین نمرات استنباط در آزمون پرلز در دو گروه آزمایش (دبیرستان خواجه عبدالله انصاری) و گروه گواه (دبیرستان‌های هاجر و وحدت) موجب افزایش میزان حیطه استنباط در گروه آزمایش شده است. درحقیقت دانش‌آموزان گروه آزمایش توانستند در حین توجه به معنای حکایات در مورد ایده‌ها و اطلاعاتی که به صراحت در متن بیان نشده است، استنباط‌هایی کنند. استنباط از متن به دانش‌آموزان این فرصت را می‌داد تا از سطح ظاهری متن فراتر بروند و خلأهایی را که در هنگام معنابخشی به متن ایجاد می‌شوند، پر کنند. بعضی از این استنباط‌ها صریح و روشن است که خواننده به راحتی می‌تواند آنها را پیدا کند؛ اما بعضی از آنها محصول تلفیق دو یا چند ایده یا بخشی از اطلاعات با هم هستند و با توجه به آن ایده‌ها می‌توانند به نتایجی مشخصی برسند. هرچقدر مهارت سواد خواندن متن حکایت‌ها بیشتر باشد درک و استنباط از متن حکایت‌ها نیز بیشتر خواهد شد. بازنویسی و بازآفرینی حکایات گلستان باعث افزایش سواد خواندن دانش‌آموزان و دستیابی به استنباط‌های صحیح از متن حکایت شده است. زیرا در این فرایند، آنها فقط به واژه‌ها یا عبارات تمرکز پیدا نمی‌کنند؛ بلکه به کل متن توجه دارند و از راه پیوستگی کل متن به یک استنباط خاص می‌رسند. حکایات گلستان سعدی خود دارای متون غنی و دارای محتوای ادبی هستند و شامل داستان‌ها و پندهای اخلاقی می‌شوند. بازنویسی و بازآفرینی این حکایت‌ها به زبان ساده‌تر یا مدرن، می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا مفاهیم عمیق‌تری از متن را درک کنند و با اصول و معانی اخلاقی آشنا شوند. این آموزه‌ها باعث می‌شوند تا دانش‌آموزان بتوانند مهارت‌های درک مفاهیم ادبی و فرهنگی خود را تقویت کنند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که در حیطه تفسیر، تفاوت نمرات گروه آزمایش نسبت به گروه گواه به طور چشمگیری افزایش داشته است. علت این افزایش را می‌توان در بازنویسی و بازآفرینی حکایت‌های گلستان سعدی یافت. زیرا بازآفرینی حکایات گلستان نیازمند مطالعه عمیق متن و بازگویی آن به شیوه‌ای جدید است. این فعالیت‌ها باعث می‌شود دانش‌آموزان به

تحلیل و تفسیر متن پردازند، ایده‌های اصلی را استخراج کنند و آنها را با دیگر مفاهیم مرتبط کنند. این مهارت‌ها مستقیماً با بخش‌های آزمون پرلز که نیازمند تفسیر و تحلیل است، مرتبط هستند. در این فرایند باتوجه‌به پاسخ‌هایی که دانش‌آموزان دو گروه به سؤالات پرلز دادند مشخص شد که گروه آزمایش به دلیل بازنویسی و بازآفرینی حکایات گلستان سعدی توانسته‌اند به درک درستی از اهداف هر حکایت برسند و همچنین دریابند که هر شخصیت چه رفتارهای دیگری می‌توانست در طول داستان انجام دهد. همچنین، آنها توانستند به مقابله و مقایسه صحیحی باتوجه‌به اطلاعات ارائه شده در متن برسند و حتی به تفاوت لحن نویسنده در بیان دو شخصیت پی ببرند؛ بنابراین می‌توان گفت که بازنویسی و بازآفرینی حکایت‌های گلستان سعدی راهی است که می‌تواند فهم سؤالات پرلز و تفسیر سؤالات را برای دانش‌آموزان آسان‌تر کرده و ذهن آنها را به تفسیر درستی از وقایع داستان هدایت کند.

نتیجه دیگر تحقیق این بود که گروه آزمایش (دبیرستان خواجه عبدالله انصاری) در برابر گروه گواه (دبیرستان‌های هاجر و وحدت) در حیطه ارزیابی عملکردشان در اکثر حکایات (به جز دو حکایت) دارای سیر صعودی است. زیرا بازنویسی و بازآفرینی حکایات گلستان سعدی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا محتوای حکایت را ارزیابی کنند و آن را به شیوه‌ای بازگو کنند که پیام اصلی حکایت حفظ شود. این تمرین به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا دیدگاه انتقادی خود را تقویت کنند و توانایی‌های ارزیابی و نقد متن را بهبود بخشند. این مهارت برای بخش‌های ارزیابی و نقد در آزمون پرلز بسیار مهم است. در این فرایند از آن جهت که بررسی و ارزیابی بر اساس آگاهی افراد نسبت به متن حاصل می‌شود، میزان آشنایی هر فرد با متن بسیار مهم است. زیرا متن حکایت به دانش‌آموز کمک می‌کند که در بیان عقاید و احساسات و اطلاعات، راه درستی را در پیش بگیرد و به قضاوت صحیحی در مورد جامعیت متن دست پیدا کند بازنویسی و بازآفرینی حکایات سعدی به دانش‌آموز این فرصت را می‌دهد تا نسبت به حکایت درک و آگاهی مناسبی پیدا کند و بتواند به ارزیابی و نقد سؤالات پرلز در این حیطه پردازد و پاسخ مناسبی به این‌گونه سؤالات بدهد.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که آموزش بازنویسی و بازآفرینی حکایت‌های گلستان سعدی به دانش‌آموزان کمک کرد تا مهارت‌های خواندن، درک مطلب، تفکر انتقادی تحلیلی و خلاقیت خود را بهبود بخشند. این روش آموزشی موجب شد دانش‌آموزان به صورت خودانگیزه و با علاقه بیشتری به یادگیری پردازند و در آزمون‌های استاندارد بین‌المللی مانند پرلز عملکرد بهتری داشته باشند. این پژوهش نشان داد که استفاده از متون ادبی غنی مانند گلستان سعدی می‌تواند به تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی دانش‌آموزان کمک کند و آنها را برای موفقیت‌های آینده آماده سازد.

پیشنهادهای کاربردی:

باوجود گذشت چندین دهه از اجرای آزمون جهانی پرلز، دبیران ما به‌ویژه دبیران ادبیات فارسی، باید آگاهی لازم در مورد آزمون، اهداف و حیطه‌های آن داشته باشند و بتوانند روند تدریس خود را به‌سوی موفقیت بیشتر دانش‌آموزان در این آزمون تنظیم کنند؛ متأسفانه، اکثر دبیران اطلاعات کافی درباره این آزمون ندارند و تنها برخی از آنان با نام آزمون آشنا هستند.

دانش‌آموزان نیز به دلیل عدم آگاهی دبیران خود، کمتر نام این آزمون را شنیده‌اند. باید یکی از اهداف آموزش و پرورش کشور، در مرحله اول آشنایی مدیران و دبیران و در مراحل بعدی آشنایی با حیطه‌های آن باشد تا بتوانند دانش‌آموزان را نیز با این آزمون آشنا کنند.

پیشنهاد می‌شود که به دبیران ادبیات یک ساعت (علاوه بر ساعت انشا) ساعت کتاب‌خوانی داده شود تا آنها بتوانند در این ساعت دانش‌آموزان را با روش‌های مطالعه کتاب آشنا کنند. همچنین به معرفی کتاب‌های مفید بپردازند و دانش‌آموزان نیز این فرصت را داشته باشند تا کتاب‌هایی که با سطح کلاس هماهنگی دارند را معرفی کنند.

مدیران محترم موظف‌اند با راهنمایی دبیران ادبیات، کتاب‌هایی در زمینه بازنویسی و بازآفرینی تهیه کنند تا دانش‌آموزان با مطالعه آنها، اطلاعات لازم را به دست آورند و در این زمینه فعالیت کنند. همچنین کتاب‌هایی درباره آزمون پرلز و چگونگی طراحی سؤالات آن تهیه و در کتابخانه دفتر مدرسه قرار بدهند تا دبیران بتوانند از آنها استفاده کنند.

دبیران ادبیات می‌توانند برای تشویق دانش‌آموزان به کتاب‌خوانی، هر چند وقت یکبار کتابی را در کلاس‌های انشا معرفی کنند تا دانش‌آموزان آن را بخوانند و سپس در کتابخانه مدرسه نقد کنند. این کار باعث افزایش قدرت تفسیر و ارزیابی دانش‌آموزان برای آزمون پرلز می‌شود و حتی می‌توانند آثار بازنویسی شده دانش‌آموزان را نقد و بررسی کنند.

پیشنهادهای پژوهشی:

- 1- تاثیر روش آموزش بازنویسی و بازآفرینی متون کهن و نقش این آموزش در زنده نگه داشتن ادبیات کهن فارسی در برنامه‌های کلان آموزش و پرورش مورد بررسی قرار بگیرد.
- 2- تاثیر تدریس متون کهن بر پایه آزمون پرلز در پژوهش‌های مربوط به آموزش و پرورش مورد بررسی قرار بگیرد.

محدودیت‌های پژوهش:

در ارائه این پژوهش محدودیت‌های بسیاری وجود داشت که می‌توان به برخی از مهم‌ترین این محدودیت‌ها اشاره کرد:

منابع یا مقالاتی که هم در زمینه بازنویسی و هم بازآفرینی مطابق آزمون پرلز انجام گرفته باشند وجود نداشت تا بتوان با ایده گرفتن از آنها کاری ایده آل ارائه کرد. اکثر منابع یا در زمینه بازنویسی و بازآفرینی متون کهن بودند و یا فقط در زمینه آزمون پرلز نوشته شده بودند و مقاله یا منبعی که از هر دو این روش‌ها اتخاذ شده باشد وجود نداشت.

به دلیل جهانی بودن آزمون پرلز و عدم طراحی سؤالات آن در ایران، حق انتشار این سؤالات وجود ندارد. تنها توانستیم یک نمونه از این سؤالات که اجازه انتشار داده شده، به دست آوریم و سؤالات آزمون پرلز گلستان را تا حدودی مطابق آن طراحی کنیم.

بر اساس دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش، ساعتی که به تدریس درس انشا اختصاص داده شده است، فقط ۴۵ دقیقه است. با توجه به قرارداد کتاب نگارش که باید در کلاس تدریس شود و گاهی متونی باید توسط دانش‌آموزان نوشته و خوانده شود، زمان بسیار محدودی برای تدریس اصول بازنویسی و بازآفرینی وجود دارد؛ بنابراین بیشتر اصول باید به صورت بسیار فشرده و فهرست‌وار تدریس شوند و فرصت زیادی برای نوشتن و رفع مشکلات نوشتاری توسط دبیر وجود ندارد. دانش‌آموزان بیشتر کارهای بازنویسی و بازآفرینی خود را در منزل انجام می‌دادند که این امر باعث می‌شد نتوانند با کمبود زمان برای مرور درس‌های دیگر، کارهای خود را به خوبی نگارش کنند.

مشارکت نویسندگان

میزان مشارکت نویسندگان در نگارش مقاله به طور یکسان است.

تشکر و قدردانی

از کلیه افراد و مؤسساتی که در تکمیل داده‌های این پژوهش مساعدت کردند، تقدیر می‌گردد.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

COPYRIGHTS



©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

منابع

- آذر یزدی، مهدی (۱۳۳۶). قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، امیرکبیر.
- پایور، جعفر (۱۳۷۹). شیخ در بوته، تهران: نشر اشراقیه
- پایور، جعفر (۱۳۸۸). بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات، به کوشش جمالی، فروغ‌الزمان، تهران: نشر کتابدار
- پاشاشریفی، حسن؛ و دانش‌پژوه، زهرا (۱۳۸۲). سنجش ملی پیشرفت تحصیلی زبان فارسی، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت
- پیرمرادیان، الهام، مینائی، اصغر (۱۴۰۲). کارکرد افتراقی در آزمون پرلز ۲۰۱۶ با استفاده از درخت راش، مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، دوره ۱۳، شماره ۳۹ و ۴۳.
- حسن‌زاده، فرهاد (۱۴۰۳). بازآفرینی حکایت‌های سعدی دوختن لباسی نو از پارچه‌های قدیمی، نشریه سعدی‌شناسی، شماره ۱۲، ۱۴۲-۱۵۰.
- دسترنج، معصومه؛ ریاحی زمین، زهرا (۱۴۰۲). بررسی ساختاری بازنویسی مژگان شیخی از حکایات گلستان سعدی برای کودکان، نشریه مطالعات ادبیات کودک، شماره ۲۸، ۱۱۷-۱۴۴.
- ربانی، جعفر (۱۳۸۰). از انشا تا نویسندگی، تهران: مدرسه
- ریچاردز، جک سی؛ برنز، آنه (۱۳۹۶). مهارت شنیداری و رهنمودهایی برای تدریس مهارت شنیداری. با رویکردهای علمی، ترجمه صحرایی، رضامراد، امیری، زینب، تهران: نشر نویسه‌پاری.
- سرشار، محمدرضا (۱۳۸۸). گذری بر ادبیات کودکان و نوجوانان بعد از انقلاب، تهران: قلم.
- شجاعی لنگری، سیده مرضیه و همکاران (۱۳۹۵). خشت اول، تهران: انتشارات مدرسه.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۱). بررسی اجمالی نتایج مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن پرلز ۲۰۰۱، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- (۱۳۹۰). سؤال‌های آزمون بین‌المللی پرلز ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ (مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن ویژه دانش‌آموزان)، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- کبیری، مسعود و همکاران (۱۳۹۶). یافته‌های ملی پرلز ۲۰۱۶، تهران: انتشارات مدرسه، به نقل از کتاب فهم پرلز.
- مجدفر، مرتضی و همکاران (۱۳۹۷). فهم پرلز (مطالعه بین‌المللی توسعه سواد خواندن)، تهران: مؤسسه مدارس یادگیرنده مرآت.
- نجفی پازوکی، معصومه (۱۳۹۵). سواد خواندن، آموزش درک خوانداری، چاپ دوم، تهران: انتشارات مدرسه.
- هاشمی‌نسب، صدیقه (۱۳۷۱). کودکان و ادبیات رسمی ایران، تهران: سروش.

محبتی، مهدی (۱۳۹۵). حکایات کوتاه سعدی در گلستان، تهران: نشریه سعدی‌شناسی.
 مشتاق مهر، رحمان؛ و بافکر، سردار (۱۳۹۴). شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات تعلیمی،
 پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، دوره هفتم، شماره ۲۶، ۱ و ۲۸.

Condon,Bill,Kelly-Riley,Diane(2012).The Hand Book of writing Assessment,
 Utah State University Press
 R.Neal,Michael, J.Selfe, Richard (2009).Writing Assessment and Revolution in
 Digital Texts and Technologies